



گرانی پیداد می کند

بهای سیب زمینی به کیلویی ۱۵۰ تومان و تخم مرغ به ۵۵۰ تومان رسید

گرانی سرسام آور کالاهای مصرفی و مورد احتیاج در هفته های اخیر، مردم را با فشارهای کمر شکن تازه ای مواجه ساخته است. در گرانی های اخیر، افزایش بهای سیب زمینی و تخم مرغ، بیش از سایر کالاها چشم گیر بوده است و حتی به ایجاد بحران تازه ای برای دولت منجر شده است. بهای سیب زمینی به کیلویی ۱۵۰ تومان و هر شانه ۲ کیلویی تخم مرغ به ۵۲۰ تا ۵۵۰ تومان رسید. دولت پس از مدتی سکوت در برابر گرانی ها، به

بقیه در صفحه ۲



با تصویب یک بودجه ۲۰ میلیون دلاری سیا، مامور بی ثبات کردن جمهوری اسلامی شد

- کنگره آمریکا طرح سناتور داماتو را تصویب کرد.
- وزارت امور خارجه طی نامه رسمی به پطروس غالی، خواستار بررسی اقدامات آمریکا علیه ایران در سازمان ملل متحد شد.
- رئیس مجلس شورا: جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با اقدامات آمریکا بودجه تخصیص می دهد

کاخ سفید آمریکا سرانجام تحت فشار «نیوت گنریچ»، رئیس کنگره آمریکا، با تخصیص ۲۰ میلیون دلار برای «بی ثبات کردن» حکومت اسلامی موافقت کرد. هژمان با آن، مجلس سنای آمریکا طرح سناتور آلفانسو داماتو را مبنی بر تشدید تحریم اقتصادی ایران و مجازات شرکت های نفتی که با جمهوری اسلامی همکاری می کنند را، تصویب نمود. این طرح قبلاً به تصویب کمیسیون بانکی سنای آمریکا رسیده و دولت کلینتون نیز

گرداندگان حکومت ایران در پاسخ به اقدامات آمریکا، در کنار اعتراضات خود به سازمان های بین المللی، موج جدیدی از کینه و خصومت نسبت به دولت آمریکا به راه انداختند. ولایتی طی نامه رسمی به پطروس غالی اعلام کرد که سیاست کنونی آمریکا چیزی جز واضح ترین نمونه حمایت از تروریسم در آشکارترین و رسمی ترین شکل آن نیست. در این نامه آمده است: «اخیراً سیاست های خصومت آمیز مستمر دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شدت یافته و ابعاد خطرناک جدیدی به خود گرفته است». ولایتی نوشت اقدامات آمریکا «ناقص آشکار اصول پذیرفته شده جهانی حاکم بر روابط میان ملت ها بوده و بدعتی خطرناک همراه با پیامدهای حاد و

بقیه در صفحه ۲

مردم ایران به «عملیات پنهانی» سیانیاز ندارند

کاخ سفید و کنگره آمریکا به توافق رسیده اند که در بودجه سیا، ۲۰ میلیون دلار برای عملیات «خنثی سازی و بی ثبات کردن ایران» در نظر گرفته شود. در شرایطی که اختلاف بر سر بودجه دولت فدرال ایالات متحده، در این کشور به شدیدترین بحران سیاسی - مالی سال های اخیر انجامیده و رئیس جمهور از حزب دمکرات و اکثریت جمهوریخواه پارلمان، یکدیگر و دولت مرکزی را فلج کرده اند، توافق پیرامون بودجه سیا برای عملیات علیه جمهوری اسلامی، نشانگر این است که از یک سو جناح ها و گرایش های سیاسی مختلف در محافل حاکم آمریکا می کوشند در مقابله با جمهوری اسلامی، اراده واحدی به نمایش بگذارند و از سوی دیگر «موضوع ایران» این بار هم یکی از مسائل عمده انتخابات آمریکا است.

حکومت جمهوری اسلامی یک عامل مخرب در جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی است و نقش عمده ای در صدور تروریسم، دامن زدن به بنیادگرایی، مخالفت با روندهای صلح و همزیستی و بی اعتنائی به قوانین و مقررات بی المللی دارد. در ایران، این رژیم، مانع اصلی بر سر راه حل بحران همه جانبه ای است که در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کشور ما حاکم شده و مردم ما را وادار به تحمل سخت ترین ایام زندگی خود در دهه های اخیر کرده است. هیچ معضل عمده ای نیست که پیشرفت در مسیر گشودن گره آن، بدون گام نهادن در راه پایان بخشیدن به حکومت جمهوری اسلامی و نشاندن یک نظام دمکراتیک به جای آن، قابل تصور باشد. از این رو، همه نیروهای آزادیخواه ایران باید از هر کوششی در داخل و خارج از کشور که بتواند در خدمت کمک به مردم ایران برای مقابله با رژیم ولایت فقیه و استقرار دموکراسی در ایران باشد، استقبال کنند. هم از این رو سازمان ما که در راه استقرار دموکراسی مبارزه می کند و مردم ایران را به پایان دادن به این حکومت دعوت می کند، با استفاده از هر فرصتی، افکار عمومی، نیروهای سیاسی و دولت های جهان را فرا می خواند که جمهوری اسلامی را به خاطر نقض بدیهی ترین حقوق انسانی مردم ایران، محکوم کنند و از مردم ایران در مبارزه دشوار خود علیه استبداد اسلامی حمایت کنند. هر اقدام جامعه بین المللی که بتواند در پشتیبانی از حقوق بشر در ایران، مقابله با تروریسم حکومت فقیه و لجام زدن به سیاست خارجی ماجراجویانه جمهوری اسلامی مؤثر واقع شود، مورد تأیید و استقبال ما قرار گرفته و خواهد گرفت.

اما بودجه ۲۰ میلیون دلاری برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی، به چه نیرویی و برای چه هدفی اختصاص می یابد؟ این بودجه قرار است به «عملیات پنهانی» از سوی دولتی و به نیرویی اختصاص یابد که با هیچ حد از خوش بینی، نمی توان به اهداف آن یا دیده تردید ننگریست. با توجه به سوابق دخالت های آمریکا در ایران و تاریخ روابط دو کشور، مردم ایران حق دارند که با بدگمانی به سیاست واشنگتن و عملیات پنهانی سازمان جاسوسی آن بنگرند

بقیه در صفحه ۸

بر اساس نوشته روزنامه سلام: عوامل رژیم در سرقت ۱۵ میلیون دلاری دست داشته اند

در حالی که حکومت اسلامی به سکوت رسمی در مورد خبرهایی که پیرامون یک ماجرای سرقت ۱۵ میلیون دلاری انتشار یافته ادامه می دهد و عوامل غیررسمی آن به دروغ پراکنی در مورد شرکت سازمان ما در این سرقت احتمالی مشغولند، یک خواننده روزنامه سلام در تهران، اطلاعات تازه ای را در این مورد در اختیار این روزنامه قرار داد. سلام در شماره ۱۷ دی ماه خود، از قول یک خواننده در ستون «الو سلام» نوشت: «اشری لارکی، رئیس شعبه بانک سپه در پاریس، چند ماه پیش درخواست انتقال ۸ میلیون دلار به پاریس کرده بوده اما این دستور توسط مقامات مسئول بانک رد شده بوده است. بعدتر یکی از مسئولین بانک طی نامه ای دستور

بقیه در صفحه ۲

داریوش فروهر و عباس امیر انتظام در تهران دیدار کردند

به گزارش خبرنگار هفته گزین حزب ملت ایران، در روز پانزدهم دی ماه، آقایان عباس امیر انتظام و داریوش فروهر با یکدیگر دیدار کرده اند. این دیدار که ۳ ساعت به طول انجامیده در خانه فروهر انجام شده و امیر انتظام از خانه اش که تحت نظر وزارت اطلاعات است، به

داده است که این پول منتقل شود. این دستور خودسرانه بوده و به گفته این خواننده وی نسخه ای از نامه مذکور را در اختیار دارد. روزنامه سلام ضمن انتشار خبر فوق پرسیده است که چرا مقامات حکومت همچنان در این مورد ساکت هستند.

از سوی دیگر، دبیرخانه حزب ملت ایران با انتشار اطلاعیه ای به تاریخ ۱۶ دی ماه، ماجرای این سرقت را نقشه خود رژیم دانست و نوشت: «در حالیکه اختلاس میلیونها دلار از داراییهای ملت ایران در بانک سپه شعبه پاریس در محافل بانکی کشور به موضوع گفتگوها و شایعات گسترده ای بدل گشته، گزارش رسیده است

حکومت، را مورد

ضرورت آغاز فعالیت دوباره حزبی در ایران، به یکی از موضوعات مورد توجه جامعه، حتی در میان مردم عادی نیز، تبدیل شده است. در ایران امروز همه از ضرورت تشکیل حزب سخن می گویند و دیگر کمتر کلامی در مذمت فعالیت حزبی، که سالیان دراز گوش مردم را به آن عادت دادند، شنیده می شود. اما چگونه حزبی؟ مخالفین

بقیه در صفحه ۴

بیست و پنج سالگی
جنبش فدایی
لحظه تامل
نظرسنجی از
یاران و دوستان سازمان
صفحه ۵

میزگرد سیاسی
عزت الله سبحانی، پیروز دوانی
حبیب الله پیمان، ابراهیم یزدی
صفحه ۱۰

معناومبنای
سکولاریسم
عبدالکریم سروش
صفحه ۹

ایران به انرژی
اتمی نیاز ندارد
سهراب مبشری
صفحه ۷

با انتشار یک نامه سرگشاده آیت الله آذری قمی سران رژیم رابه شدت مورد حمله قرار داد

● آذری قمی: هر کوششی برای اصلاح امور کردیم با تهدیدات وزارت اطلاعات مواجه شدیم

حکومت سخت قرار داد و اعلام کرد که حکومت اسلامی را «تحریم» کرده است. وی در این نامه نوشت خطاب به ملت ایران اعلام می کند از عضویت در مجلس خبرگان رژیم نیز استعفا داده است. آذری قمی نوشت: ناطق نوری با مرجع کردن

بقیه در صفحه ۳

در ایران همه از آزادی احزاب سخن می گویند، اما کدام احزاب؟

- روشنفکران و دگراندیشان: احزاب واقعی از همه اقشار مردم، بدون دخالت حکومت
- طرفداران رژیم: فقط از نیروهای وفادار به نظام و قانون اساسی
- روزنامه سلام نسبت به تشکیل یک حزب فراگیر و فرمایشی حکومتی هشدار داد.

حکومت، دگراندیشان و تعداد بسیار محدودی از افراد هوادار نظام جمهوری اسلامی، فعالیت واقعی و آزادانه احزاب را، البته به درجات گوناگون، مورد نظر دارند و هواداران فعالیت حزبی در حکومت، تنها از احزاب طرفدار حکومت و «جناحهای موجود» سخن می گویند. روزنامه ایران، وابسته به

بقیه در صفحه ۴

یادداشت

پایان یک اتحاد نامیمون؟

از ایالت مریند آمریکا که محل مذاکرات نمایندگان سوریه و اسرائیل به میانجی‌گری آمریکا، خبر می‌رسد که دو کشور به پیشرفت‌های مهمی در جهت برقراری صلح دست یافته‌اند. گفته می‌شود اسرائیل حاضر است بلندی‌های جولان را که نزدیک به ۳۰ سال است در اشغال خود دارد، تخلیه کند و در مقابل، سوریه غیرنظامی شدن این منطقه را که بر شمال اسرائیل مشرف است، خواهد پذیرفت و به نظارت بین‌المللی بر موقعیت غیرنظامی جولان تن خواهد داد. اما این، تنها پهبایی نیست که اسرائیل از سوریه می‌خواهد. سیاست اسرائیل در قبال اعراب، "زمین در برابر صلح" است. اسرائیل، سرزمین‌های اعراب را به شرطی تخلیه می‌کند که آنها موجودیت اسرائیل را بپذیرند و حاضر شوند به اصول همجواری مسالمت‌آمیز تن دهند. در مورد سوریه، این شرط بدان معناست که حزب‌الله لبنان و فلسطینی‌های رادیکالی که مورد حمایت جمهوری اسلامی‌اند، دیگر نتوانند از سوریه و جنوب لبنان برای حمله به اسرائیل استفاده کنند. از آنجا که میدان دادن به رادیکال‌ها و حزب‌اللهی‌های عرب، مهم‌ترین امتیاز عملی است که سوریه به جمهوری اسلامی داده است، حذف این امتیاز به معنای ضربه‌ای به "روابط استراتژیک" تهران و دمشق است.

نگرانی جمهوری اسلامی که مخالف صلح در خاورمیانه است، از پیوستن سوریه به روند صلح و پایان یافتن دوران خوش حزب‌الله در جنوب لبنان، بزرگترین بحران سیاسی را بین تهران و دمشق پدید آورد. همزمان با مذاکرات اسرائیل و سوریه در آمریکا، حزب‌الله لبنان، شمال اسرائیل را مورد حملات موشکی قرار داد. بعید به نظر می‌رسد که انتخاب زمان این حملات با نظر دولت سوریه صورت گرفته باشد، چراکه اگر دمشق می‌خواست فضای حاکم بر مذاکراتش با اسرائیل تیره شود، این گفتگوها را اصلاً آغاز نمی‌کرد. شواهدی حاکی است که سوریه این ناهنجاری را از ناحیه جمهوری اسلامی می‌داند. بلافاصله پس از حملات حزب‌الله به شمال اسرائیل، دولت سوریه از ادعای کهنه امارات متحده عربی بر جزایر ایرانی خلیج فارس حمایت کرد. این موضع‌گیری، مورد انتقاد جمهوری اسلامی قرار گرفت و روابط دو دولت به بحرانی‌ترین نقطه خود رسید. سفر هیأت جمهوری اسلامی به ریاست حبیبی معاون اول فرستجانی به دمشق که قرار بود ولایتی نیز آن را همراهی کند، به تعویق افتاده است.

همکاری تهران و دمشق در ۱۵ ساله اخیر برای هر دو دولت منافع در پی داشته که کمتر در جهت اهدافی مشروع قرار گرفته است. رژیم سوریه همواره توانسته است در ازای امتیازاتی که به جمهوری اسلامی داده و حمایت لفظی و تحمل طرفداران لبنانی و فلسطینی حکومت اسلامی در قلمرو خود، به ویژه در جنوب لبنان، باج فراوانی از تهران بگیرد که گاه تا حد تحویل رایگان نفت نیز پیش رفت. تهران نیز از تسهیلات سوریه و میدان‌داری حزب‌الله در جنوب لبنان، برای پیشبرد سیاست تروستی خود و صدور بنیادگرایی اسلامی، بهره بسیار گرفت. از این مناسبات و معاملات، هر دو رژیم سودها بردند، حافظ اسد رژیم او از رابطه با جمهوری اسلامی، حتی در مذاکرات با آمریکا و اسرائیل نیز استفاده کرده و اکنون در گفتگوهای که بین اسرائیل و سوریه در جریان است، یکی از اهداف اسرائیل، حذف امکانات حزب‌الله لبنان متقابل به تهران در سوریه و جنوب لبنان است که تحت نفوذ سوریه قرار دارد.

بازی سیاسی دمشق و تهران اکنون به مرحله تعیین‌کننده رسیده است. هنگامی که روند اخیر صلح در خاورمیانه آغاز شد، قابل پیش‌بینی بود که بالاخره زمانی خواهد رسید که حافظ اسد ناچار خواهد شد از میان دولت "برادر" جمهوری اسلامی و یا پیوستن به روند صلح، یکی را انتخاب کند. هیچ‌گاه نیز تردیدی وجود نداشت که این انتخاب، علیه جمهوری اسلامی صورت خواهد گرفت. هیچ ایرانی صلح‌دوست و میهن‌دوستی، نه تنها از این انتخاب متأسف نیست بلکه از آن استقبال نیز می‌کند. اتحاد تهران و دمشق چیزی در خود نداشت که بتوان از برهم خوردن آن متأسف شد. پیوستن سوریه به روند صلح خاورمیانه می‌تواند این روند را شتاب بخشد و امکانات مخالفین افراطی را در هر دو سو، تضعیف کند. اما سوریه حق ندارد که منافع ملی کشور ما را به بازی بگیرد و وجه‌المصلحت بازی‌های سیاسی خود چه با تهران و چه با تل‌آویو و واشنگتن قرار دهد. حافظ اسد در باج‌گیری مهارتی فراوان دارد. باج‌خواهی‌های او از حکومت اسلامی، چه آن زمان که نفت رایگان ایران به سوی سوریه روان بود و چه اکنون که از ادعاهای نامشروع علیه یک پارچگی ایران دفاع می‌کند، از جیب مردم ایران پرداخته شده و می‌شود و بسیار طبیعی است که هیچ ایرانی این را بر حکومت سوریه نبخشد. نه مخالفت با حکومت اسلامی و نه استقبال از پیوستن سوریه به روند صلح، هیچ کدام دلیلی بر این نیست که ایرانیان به دمشق اجازه دهند از ادعاهایی پشتیبانی کنند که علیه منافع کشور ماست.

گرانی بی داد می‌کند

بقیه از صفحه اول

سازمان گوشت عرضه شد، بهای تخم مرغ را بین ۲۵ تا ۴۰ تومان در سطح تهران کاهش داد. به جز این اقدام، و وعده آن که ستاد تعزیرات، محتکرین را شناسایی و مجازات خواهد کرد، اقدام دیگری صورت نگرفت.

در گزارشی که اخیراً از سوی اداره آمارهای اقتصادی بانک مرکزی منتشر شد، گفته شده است که در سال جاری نرخ میانگین کالاها و خدمات مصرفی، بیش از ۵۲ درصد افزایش یافته است. آمارهای دولتی همواره بخش کوچکی از واقعیت‌گرایی را تایید می‌کنند. اما مطابق همین آمارها، در حالی که در ۵ سال اخیر بهای کالاها و خدمات مصرفی ۳۵ درصد افزایش یافته است، ۵۲ درصد آن مربوط به شش ماهه اخیر بوده است.

گرانی سرسام‌آور کالاها و مصرفی در هفته‌های اخیر، به صفحات روزنامه‌ها کشیده شد و

ناطق نوری خطاب به معترضین داخلی رژیم:

شرکت کنید تا تنور انتخابات گرم شود

مجمع روحانیون مبارز، رسماً اعلام کرد که کاندیدا برای انتخابات آینده معرفی نخواهد کرد علیرغم همه تلاش‌های جناح رسالت برای تقویت اکثریت خود در مجلس آینده، برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از تضعیف موقعیت این جناح در مجلس آتی است

تقویت خواهد شد ولی میدان‌دار اصلی مجلس آینده، جناح میانه خواهد بود. به گفته وی، در مجلس فعلی ۱۱۰ تن از نمایندگان دارای گرایش راست، ۴۰ تن دارای گرایش میانه و ۳۵ تن دارای گرایش چپ هستند و بقیه نیز در عمل تابع اکثریت می‌شوند. نماینده رشت، جناح میانه را کسانی دانست که اولویت را به بخش صنعت و استفاده از منابع خارجی می‌دهند و توسعه را ارجحتر از عدالت می‌دانند.

عطاءالله مهاجرانی، معاون رئیس جمهور و یکی از چهره‌های برجسته «جناح میانه»، خلاف اظهارات فوق، آینده روشنی را برای این جناح که آن را «جناح مستقل» نامید، پیش‌بینی نکرد و گفت: «گرایش اخیر به علت عدم سازماندهی، نمی‌تواند چندان تأثیرگذار باشد و به علت عدم شناخت مردم از آنها، شانسی برای در دست گرفتن مجلس آینده ندارد». مهدی کروبی در مورد ترکیب مجلس آینده به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: به نظر من مجلس پنجم، نسبت به دوره قبل قدری تعدیل شده و از حالت یک دست بودن خارج خواهد شد. این احتمال نیز وجود دارد که افرادی به مجلس راه یابند که به هیچ‌یک از جناح‌های موجود وابسته نباشند.

میدان را به آسانی تسلیم رسالتی‌ها کند و به کرسیهای بیشتری برای طرفداران خود در مجلس آتی نظر دارد. هر چند این دفتر هنوز هیچ اقدام مشخصی به عمل نیاورده است، اما تشکیل آن فسی‌نفسه هشدار است به یک‌تازی‌های رقیب.

در مورد نتیجه انتخابات و ترکیب مجلس پنجم پیش‌بینی‌های مختلفی وجود دارد. حسن روحانی، نایب رئیس اول مجلس و دبیر شورای امنیت کشور در این زمینه به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت:

به احتمال قوی جناح حاکم فعلی در مجلس پنجم اکثریت را به دست بگیرد، اما این اکثریت نسبت به مجلس چهارم شکننده شود. وی افزود: من معتقدم که جناح میانه نسبت به مجلس چهارم تعداد بیشتری از کرسیها را تصاحب خواهد کرد. در حکومت اسلامی «جناح میانه» یا تکنوکرات‌ها، به کسانی که بیشتر به فرسنگانی تمایل دارند، گفته می‌شود.

الیاس حضرتی نماینده رشت که به جناح روحانیون مبارز تعلق دارد پیش‌بینی کرد «جناح میانه» در مجلس آتی اکثریت خواهد یافت. وی گفت: جناح راست که هم اکنون اکثریت کرسیهای پارلمان را در دست دارد، تضعیف و جناح چپ به طور نسبی

خبرگزاری جمهوری اسلامی، شایعه خودداری این مجمع از معرفی کاندیدا را رسماً تایید نمود و اعلام کرد: «مجمع روحانیون مبارز، هیچ کاندیدی برای انتخابات مجلس پنجم معرفی نخواهد کرد». وی خواهان تشکیل احزاب سیاسی قدرتمند شد تا بتوانند مانع بروز تخلفات شوند. کروبی، در عین حال گفت: «شرکت در انتخابات و ترغیب مردم برای حضور فعال در آن، همواره مورد تاسف روحانیون مبارز و همفکران آن بوده است».

سازمان سجادین انقلاب اسلامی، به عنوان یکی دیگر از جریان‌های عمده جناح مخالف، هنوز تصمیمی برای شرکت در انتخابات اعلام نکرده و در پهنای انتخاباتی خود گفته است که اگر روند فعلی ادامه یابد، این سازمان نیز در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

علیرغم انحصارطلبی‌های جناح حاکم و امتناع مخالفین عمده آن از شرکت فعال در انتخابات، هنوز هیچ‌کدام از جناح‌های موجود، از نتیجه انتخابات ناامید نیستند. تشکیل دفتر ویژه بازرسی ریاست جمهوری در مجمع روحانیون مبارز، انتخابات، از سوی فرستجانی، نشانه‌گر آن است که وی نمی‌خواهد

نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات مجلس پنجم در اسفند ماه آینده، جناح رسالت و بازار، که از طریق ارگانهای کنترل‌کننده خود، سرنوشت انتخابات را به دست گرفته اند، می‌کوشند جناح‌های ناراضی حکومتی را به «شرکت فعالانه» در انتخابات ترغیب کنند. تا بلکه عمده‌ی بیشتری را به پای صندوق‌های رای بکشاند. ناطق نوری، رئیس مجلس و چهره اصلی جناح مذکور، بار دیگر «خاضعانه از همه گروهها» خواست که در انتخابات شرکت کنند. وی که در جمع گروهی از روحانیون سخنرانی می‌کرد، گفت: برای جلب مردم به شرکت در انتخابات، باید در آنها انگیزه ایجاد نمود و جو انتخابات را گرم کرد. وی یکی از راه‌های گرم کردن جو انتخابات را شرکت همه گروهها و افرادی دانست که می‌توانند کاندید شوند و کاندیدا معرفی کنند.

علیرغم این درخواست «خاضعانه»، اعتراض به اقدامات ضد دموکراتیک و انحصارطلبانه باند رسالت و بازار از سوی محافل و جناح‌های ناراضی حکومت ادامه یافته است. مهدی کروبی، که عملاً رهبری مجمع روحانیون مبارز، عمده‌ترین ستیف مخالف جناح حاکم را در دست دارد، در مصاحبه با

سیا، مامور بی ثبات کردن...

بهترین فیلم خارجی شرکت نخواهد کرد. تصمیمات اخیر کنگره آمریکا، عکس‌العمل و اظهارنظرهایی در خارج از ایران نیز بی‌نظمی‌ها، به نوشته مطبوعات کشور ۲۱ تن از نمایندگان مجلس سنای پاکستان در اعتراض به اقدامات واشنگتن، خواستار تعلیق عضویت آمریکا در سازمان ملل شدند. روزنامه «نیوز» چاپ پاکستان نوشت که طرح واشنگتن در کشورهای اسلامی آشوب بیا خواهد کرد. رادیسو مسکو گفت که بسیاری از ناظران نسبت به شریخش بودن مجازات‌های آمریکا در مورد ایران با شک و تردید می‌نگرند. سخنگوی وزارت خارجه چین نیز سیاست تحریم آمریکا را بی‌نتیجه خواند و گفت که هدف واشنگتن از تحریم اقتصادی ایران در واقع تهدید کشورهای در حال توسعه و استیلاجویی بر منطقه است. مجموعه گفته‌های سران رژیم و نوشته‌های روزنامه‌های وابسته به حکومت، تماماً شعار و تبلیغات علیه آمریکا است. آنچه در این گفته‌ها و نوشته‌ها مشاهده نمی‌شود، اظهار نظر در مورد پیامدهای سنگین تحریم کامل اقتصادی ایران بر اقتصاد کشور و زندگی مردم است. در بین واکنش‌های سران رژیم هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که تهران تحت فشارهای آمریکا بخواهد دست از سیاستهای صدور انقلاب اسلامی، تروریسم، مخالفت با روند صلح خاورمیانه و دستیابی به تکنولوژی آتی بردارد.

بقیه از صفحه اول

غیرقابل پیش‌بینی که مصل اساس و قواعد حقوق و امنیت و صلح بین‌المللی است را ایجاب می‌کند. ولایتی خواسته است که سازمان ملل متحد بررسی جدی و فوری این اقدامات در دستور کار خود قرار دهد و واکنش مقتضی در مقابل این اقدامات نشان دهد.

علی خامنه‌ای رهبر حکومت، شدیدترین عکس‌العمل را نشان داد و گفت اتحاد نامقدس آمریکا و اسرائیل نمی‌تواند هیچ‌کدام از ملت مقتدر و نظام اسلامی ایران برساند. ناطق نوری خواستار اختصاص بودجه ویژه برای مقابله با دخالت‌های آمریکا در ایران و کشورهای اسلامی شد و اظهار داشت که: «تصمیمات آمریکا کمترین تأثیری بر اراده و تصمیم‌گیری ملت ایران نمی‌گذارد». رئیس مجلس از سکوت دبیر کل سازمان ملل متحد در خصوص تصمیم اخیر آمریکا علیه حکومت اسلامی ایران تاسف کرد. ۱۸۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز ضمن انتقاد شدید از سیاست‌های آمریکا علیه حکومت اسلامی، خواستار جایگزینی تکنولوژی غیرامریکایی در صنایع کشور شدند. در عین حال گردانندگان حکومت اسلامی یک راهپیمایی اعتراضی علیه اقدامات آمریکا در تهران راه انداختند و شعار مرگ بر آمریکا سردادند. وزارت ارشاد اسلامی اعلام کرد که ایران به عنوان اعتراض در مسابقه سینمایی اسکار برای تعیین

به جرم جاسوسی برای آمریکا ۵ نفر به اعدام محکوم شدند

به نوشته روزنامه کیهان، حکم اعدام ۵ نفر به اتهام جاسوسی برای آمریکا، از سوی دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفته است. از این عده طی روزهای آتی ۳ نفر در تهران و ۲ نفر در کرمانشاه به دار آویخته

مردم منتشر شد و گوشه‌ای از مشکلاتی را نشان داد که در هفته‌های اخیر بر مشکلات مردم افزوده شده است. یک شهروند تهرانی با فرستادن پیامی به روزنامه سلام، وضع خود را که وضع اکثر مردم ایران است، چنین تشریح کرد: «پانزده هزار و هفتصد تومان می‌گیرم. در حالی که ۷ هزار تومان کرایه یک اتاق و ۱۵۰۰ تومان آب و برق می‌دهم و یک محصل هم داریم، اگر هر وعده در روز هر کدام فقط نصف تخم‌مرغ آب‌پز بخوریم، می‌شود ۲۴۵۰ تومان و برای بقیه مخارج فقط ۸۵۰ تومان باقی می‌ماند. به خدا قسم گرانی در مملکت بیداد می‌کند».

این گونه شکایات در حکومت اسلامی، دولتمردی را به فکر و ناامیدی دارد. آن‌ها به طور خستگی‌ناپذیری از «پیشرفت‌ها» «افزایش تولید» سخن می‌گویند.

عوامل رژیم در سرقت ۱۵ میلیون...

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

انتقال بخشی از این مبلغ به بانک سپه شعبة پاریس، با موافقت بلندپایه‌ترین مقام‌های بانکی و امنیتی جمهوری اسلامی صورت گرفته است. در این اطلاعیه آمده است: «بر پای این گزارشها، سه ماه پیش از انجام اختلاس یاد شده، مبلغ هشت میلیون دلار با موافقت رئیس کل بانک سپه و تحت نظارت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی از تهران به پاریس انتقال یافت و سپس به همراه هفت میلیون دلار موجودی دیگر بانک «اختلاس» گردید».

دبیرخانه حزب ملت ایران از قول «منابع موثق» از تهران می‌نویسد: «منظور اصلی از این به اصطلاح اختلاس پدید آوردن یک نیروی شبه اپوزیسیون می‌باشد که با شعار (جنگ مسلحانه) بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، در عمل راه را برای سرکوبگری بیشتر رژیم بر علیه دگراندیشان در درون و بیرون از کشور خواهد گشود».

در عین حال فردی به نام «زهری» می‌مدعی این اختلاس است، همچنان می‌گوید که اشتری لاری رئیس بانک سپه شعبة پاریس به وی ملحق شده و در اختفاء به سر می‌برد.

کیهان هوایی همچنان دروغ می‌گوید

علیرغم تکذیب دروغ‌های کیهان هوایی در باره شرکت فدائیان خلق (اکثریت) در سرقت «۱۵ میلیون دلاری» از سوی سازمان ما، این نشریه در شماره ۱۳ دی ماه خود مجدداً اتهامات دروغین علیه فدائیان (اکثریت) را تکرار کرد و نوشت: «یک عضو گروهک ضد انقلابی فدائیان خلق (اکثریت) رسماً اعتراف کرد که این گروهک از تعدادی شعب بانکهای ایرانی در خارج و از جمله در پاریس مقادیر قابل توجهی ارز اختلاس کرده است».

انتساب این سرقت و وارد آوردن اتهامات نظیر به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کنار دیگر اقدامات تهدیدآمیزی که از سوی وزارت اطلاعات رژیم علیه سازمان ما در جریان است، همانگونه که در اطلاعیه شورای مرکزی سازمان ۲۵ آذر ماه گذشته نیز ذکر شد، نشان از زمینه‌چینی، توطئه و پرونده‌سازی علیه فدائیان خلق (اکثریت) است که نشریه کیهان هوایی نیز در کار دامن زدن به آن است. ما بار دیگر نسبت به خطر سوءاستفاده ارگانهای اطلاعاتی و تبلیغی رژیم در این زمینه هشدار می‌دهیم.

زندگی در تهران روز بروز خطرناک تر می شود میزان آلودگی هوای تهران فراتر از حدود بحرانی

هفته گذشته آلودگی هوای تهران بار دیگر از حدود بحرانی خطر آفرین برای جان انسان فراتر رفت. موضوع آلودگی فزاینده هوای تهران تازه نیست و سالهاست که این شهر بزرگ با جمعیت رو به افزایش خود با این مشکل دست به گریبان است. اما در چند سال اخیر میزان آلودگی با گذشتن از مقادیر بحرانی به حدی می رسد که جان ساکنان شهر تهران را تهدید می کند. امری که سکوت سنگین مقامات را در این باب به ناچار می شکند و آنان را به دادن هشدار وامی دارد. رئیس سازمان ترافیک تهران هفته گذشته ضمن اعلام اینکه «در روزهای اخیر هوای پایتخت بسیار آلوده شده است و برای تنفس شهروندان خصوصاً کودکان، بیماران و سالخوردهگان خطرناک شده است» از مردم خواست که کمتر با اتومبیل در خیابانها رفت و آمد کنند و سازمان ترافیک، خود از صدور مجوز روزانه برای ورود اتومبیلها به محدوده ترافیک خودداری کرد. وزارت ارشاد رژیم نیز از هنرمندان دعوت

کرد که با ارائه آثار هنری مردم را به مبارزه با آلودگی هوا تشویق کنند. تعدادی از مردم ساکن تهران از طریق روزنامهها خواستار طولانی کردن تعطیلات عمومی و بسته شدن مدارس شدند. اخبار رسیده حاکی است که دودی غلیظ تر از پیش تهران بزرگ را پوشانده و ستارگان آسمان در شبها دیده نمی شود.

به این ترتیب شهر تهران بار دیگر در میان آلودهترین شهرهای کره زمین رتبه دوم را دارد. رقیبان تهران در این عرصه در میان کشورهای جهان سوم کم نیستند. شهرهایی چون مکزیکو، پکن و جاکارتا در مسابقه ای سرگشا برای ساکنان خود، پا به پای تهرانی پیش می روند. اما حداقل آلودگی هوای این شهرها در اکثر قریب به اتفاق موارد، تاوان توسعه شتابان و گاه لجام گسیخته و بی برنامه کشورهای است که آن شهرها در آنان واقع اند. ولی مردم محروم ما به ازای آلودگی ناخواسته هوا و خطر مرگ زودرس ناشی از آن چه بدست می آورند؟

توسط عطاءالله مهاجرانی، هفته نامه «بهمن» انتشار یافت جناح رفسنجانی صاحب یک نشریه دیگر شد

جدا گرفتن اهرم مطبوعات و اتکاء به آن برای تبیین نقطه نظرات خویش، ظرف یکی دو سال گذشته از رویکردها و اقدامات بارز جناح رفسنجانی بوده است. با متزلزل شدن اتحاد رفسنجانی با جناح رسالت که در انتخابات مجلس چهارم به حذف جناح موسوم به خط امام انجامید، وی به تدریج درصدد کاهش اتکای خود به جناح رسالت و مطرح کردن خود به عنوان یک جناح مستقل بر آمد، چنانچه که ظاهراً بخشی از طراحان و هواداران برنامه های پنجساله اول و دوم توسعه، از نیروهای اصلی آن هستند. روزنامه اطلاعات از دیرباز همراه و همگام این جناح بوده است و در دو سال گذشته نیز روزنامه های ایران و اخبار برای تقویت هرچه بیشتر دیدگاههای این جناح شروع به انتشار

جدا کرده اند. روز شنبه گذشته نشریه دیگری به نام بهمین نیز به شمار این نشریات پیوست. صاحب امتیاز بهمین عطاءالله مهاجرانی از نزدیکان سرشناس رفسنجانی و معاون پارلمانی وی می باشد. هم او بود که دوبار پیشنهاد تغییر قانون اساسی را برای امکان انتخاب مجدد رفسنجانی به میان کشید که مقبول جناح رسالت و دیگر محافل درون رژیم نیفتاد. بهمین که هنگام انتشار می باید در شماره نخست خود اعلام کرده است که می خواهد مدافع آزادی بیان، فضای باز سیاسی و طرح نظرات متفاوت برای «بازسازی ایران اسلامی» باشد. انتشار بهمین با نزدیک شدن انتخابات مجلس پنجم و بالاگرفتن کشاکش میان جناحهای مختلف حکومت اسلامی بی ارتباط نیست.

به دنبال حمایت دمشق از ادعاهای ارضی امارات و ناخرسندی تهران از مذاکرات صلح روابط سوریه و جمهوری اسلامی بحرانی شد

وزیر امور خارجه در این زمینه اظهار داشت: رژیم صهیونیستی در پی هدف شوم خود برای تسلط بر مقدرات کشورهای عربی اسلامی رد پایش در دامن زدن به کلیه اختلافات ارضی در منطقه دیده می شود.

نشریات مختلف جمهوری اسلامی در مقالات خود حملات تندی به سوریه کردند و نوشتند سوریه در دام اسرائیل سقوط کرده به یک آلت دست آمریکا و اسرائیل به منظور مبارزه با جمهوری اسلامی تبدیل شده است. کیهان نوشت سوریه تصمیم گرفته است بجای اینکه بخشی از راه حل باشد به بخشی از مشکل تبدیل شود. سوریه در نوشته های روزنامه های تهران به «حق ناشناسی» و فراموش کردن خوبی های دوستان قدیمی و حمایت های سیاسی بین المللی آنها از این کشور و نادیده

گرفتن نفت رایگان و ارزان دریافتی از جمهوری اسلامی متهم شد. روز یکشنبه ۱۰ دی اعلام شد که سفر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری به دمشق لغو شده است.

بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه قرار بود حسن حبیبی به همراهی ولایتی روز سه شنبه ۱۲ دی ماه برای شرکت در اجلاس کمیته مشترک همکاری میان سوریه و ایران عازم دمشق شوند. علت تعویق سفر مزبور، اعتراض نسبت به بیانیه پایانی اجلاس گروه (۶+۲) در دمشق اعلام شده است. قرار بوده است در سفر دکتر حبیبی مسائل مربوط به صلح سوریه و اسرائیل و آینده حزب الله مورد گفتگو قرار گیرد.

همزمان با تشدید حملات تهران به دولت سوریه با ارسال پیام آشتی جوانانه ای، روابط استراتژیک با دولت تهران را مورد تاکید قرار داد.

مجاهدین انقلاب اسلامی

ائتلاف با سایر جناح های رژیم را رد کردند

کردن راه ائتلاف آنان در بر نخواهد داشت. بنظر نویسندگان اعلامیه، نیروی «چپ جدید» هرگز در ائتلافی که منافع و موقعیت راست سنتی را هدف گرفته باشد مشارکت نخواهد جست زیرا که به «راست مدرن» به مثابه خطر اصلی برای نظام اسلامی می نگرد و چنانچه خواهان یک سیاست ائتلافی با نیروی «چپ» باشد، به چیزی کمتر از چپه ضد لیبرالی-تکنوکرات، که از نظر آنان «راست مدرن» نمایندگی آن را بر عهده دارد، رضایت نخواهد داد. این سازمان در مورد جریان چپ اسلامی معتقد است که: با نظر به وضع طیف چپ و ضعفها و نارسایی های موجود در آن، فقدان سازمان فراگیر و تشکیل یابی منسجم و عدم برنامه واحد، هرگونه ائتلاف با یکی از نیروهای «راست مدرن» یا «چپ

جدید» این طیف را در درون خود آسیب پذیر ساخته و آن را با خطر تفرقه و شقاق مواجه خواهد کرد و راه انجام و هویت یابی فراگیر آن را ناسازگار، پرستگلاخ و مسدود می سازد. این سازمان نوشته است تا نیروی «راست مدرن» بی توجهی خود به عدالت طلبی و نیروی «چپ جدید» دشمنی خود با آزادی خواهی را کنار نگذارد، چپ اسلامی نمی تواند با آنها ائتلاف کند. مجاهدین انقلاب اسلامی در این بیانیه وظایف خود را در جریان پنجمین دوره انتخابات بصورت زیر فرمول بندی کرده است:

مشارکت فعال و مستقل جریان «چپ» و اعلام مواضع ویژه خویش در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و کسب هویت و جایگاه مشخص در جامعه و میان مردم.

آیت الله آذری قمی سران رژیم را به شدت مورد...

باعث تضعیف روحانیت دانست. بر پایه برخی از گزارش ها، به دنبال انتشار این نامه، شب شنبه هفتم گذشته، مأمورین وزارت اطلاعات به خانه آذری قمی ریخته و کتابها و اسناد وی را مصادره کرده و خود وی را در خانه اش زندانی کرده اند.

آیت الله آذری قمی تا چندین پیش از عناصر قدرتمند رژیم به شمار می رفت. او پیش از انقلاب از مدرسین حوزه علمیه قم بود. در اوایل انقلاب دادستان انقلاب شد و مدتی حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت بود. وی دو دوره نماینده مجلس، عضو مجلس خبرگان و سردبیر روزنامه رسالت نیز بوده است. مدتی پیش او را عملاً از این روزنامه نیز کنار گذاشتند. آذری قمی پیش از انتشار نامه سرگشاده اخیر خود، با صدور بیانیه ای ناطق نوری را به دلیل اظهاراتش در مورد سلمان رشدی مورد انتقادهای تند قرار داده بود.

امام زمان می دانم. آذری قمی، ضمن اعلام استعفا خویش از مجلس خبرگان نوشت هر گونه فعالیت در مجلس و دولت و نهادهای جمهوری اسلامی را تحریم کرده است. وی خاطر نشان کرد که ۱۶ سال برای «بهبود امور» کوشید اما همواره با تهدیدات وزارت اطلاعات مواجه شد. آذری قمی در این نامه افزود که خامنه ای و رفسنجانی نظرات کسانی مانند او و آیت الله مهدوی کنی را همواره با دیده تحقیر نگریسته اند و به آنها توجهی نکرده اند. آذری قمی تأیید کرد که وزارت اطلاعات مانع انتشار کتابها و رساله های او شده است. آذری قمی در این نامه حملات تندی نیز به مسئولین دفتر خامنه ای کرده است و با اشاره به شورش مردم اسلام شهر به خاطر آب آشامیدنی، نوشته است که سران رژیم به جای حل مسائل مردم «نمک بر زخم آنها» پاشیده اند. آذری قمی، دولت و نمایندگان «بله قربان گوی» مجلس را

بقیه از صفحه اول
او «دوستی خاله خرسه» می کند و می خواهد وی را بی حیثیت کند، زیرا می داند وی چنین صلاحیتی ندارد. آذری قمی نوشت: محمد مؤمن، لنگرانی، یوسف صانعی، که همه از مراجع جا افتاده حوزه علمیه هستند، معتقدند که خمینی با پیشنهاد تغییر قانون اساسی، ضرورت مرجعیت رهبر حکومت اسلامی را ملغی کرد. به گفته آذری قمی، خمینی می دانست که بعد از او رهبر حکومت نمی تواند لزوماً مثل خود او صلاحیت مرجعیت را نیز دارا باشد. آذری قمی در این نامه بار دیگر تأکید کرد که رهبری خامنه ای را می پذیرد اما او از نظر مذهبی باید تحت فرمان مراجع صالح باشد و حق صدور فتوا ندارد. او خاطر نشان ساخت: من بارها بر سر این نکته بحث کرده ام که شخصاً، اجتهاد و تقلیداً ولایت مقام رهبری را قبول ندارم ولی تابع قانون می باشم و عملاً تبعیت می کنم و رهبر را امروز حقاً نایب امام

عفو بین الملل: بر سر پری طلایی چه آمده است؟

سازمان عفو بین الملل هرامه مستی حاوی نام و سرنوشت تعدادی از زندانیان سیاسی در جهان منتشر می کند و از اعضای خود و همه کسانی که برای حقوق بشر و رعایت آن در سطح جهان اهمیت قائلند می خواهد که با ارسال نامه و فاکس برای دولت ها، خواهان آزادی زندانیان نامبرده و پایان دادن به نقض حقوق بشر در کشور آنها شوند. در متنی که عفو بین الملل در دسامبر سال ۹۵ انتشار داده است از جمله نام پری طلایی دیده می شود که در سال ۱۹۹۰ در تهران ناپدید شده است. عفو بین الملل دربارۀ وی می نویسد: «پری طلایی که ۶۶ سال دارد و صادر شش فرزند می باشد از روز ۲۸ ژانویه ۱۹۹۰ ناپدید شده و درباره سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست. براساس خبرهایی که به عفو بین الملل رسیده است، وی در روز مذکور عازم خانه بوده و همزمان در همان حوالی نیز تظاهراتی ضد دولتی جریان داشته است. پری طلایی به رغم عدم شرکت در تظاهرات همراه با عده ای از تظاهرکنندگان دستگیر می شود. تلاش های خانواده وی برای شناسایی محل حبس وی تاکنون به نتیجه مشخصی نرسیده است. خبرهای غیر موثق حاکی از آن است که وی در زندان قصر تهران به سر می برد طلایی از بیماری کلیه رنج می برد و نیاز مند مراقبت های پزشکی است.»

عفو بین الملل از خوانندگان گزارش دسامبر خود می خواهد که به آدرس دفتر هاشمی رفسنجانی (تهران - بلوار فلسطین - خیابان آذربایجان) نامه بنویسند و درباره محل اقامت پری طلایی، وضعیت وی، اتهاماتی که به او نسبت داده شده و احکام احتمالی دادگاه دربارۀ وی توضیح بخواهند. بخواهند که با وی رفتاری انسانی در پیش گرفته شود و امکان یابد که با خانواده اش تماس برقرار کند. عفو بین الملل خواسته است که رونوشتی از این نامه نیز به سفارت جمهوری اسلامی ارسال شود.

قرارداد همکاری روسیه و ایران

هفته گذشته در تهران قرارداد همکاری همه جانبه ۱۰ ساله بین ایران و روسیه بسته شد. این همکاری زمینه های مختلف از جمله نظامی، نفت و پولی را دربرمی گیرد. داویدسوف نماینده وزارت خارجه روسیه در تهران خاطر نشان کرد که «روسیه برای همکاری استراتژیک خود با ایران اهمیت زیادی قایل است و به هیچ کشور سومی اجازه دخالت در این زمینه را نمی دهد». این قرارداد در آینده نزدیک به امضای هاشمی رفسنجانی و پلتسین خواهد رسید.

بحران شدید مالی

خریده های تسلیحاتی رژیم را نیز با مشکل مواجه کرده است

مسلم جمهوری اسلامی بدون استفاده از نیروهای خارجی، دستگاههای نظامی و سلاح های رزمی را مطابق با روز تجهیز می کنند. محسن رضایی همچنین اظهار داشت که تانک مدرنیزه شده «تی ۷۴» تحت عنوان «سفیر ۷۴» در ایران ساخته شده است و بزودی تولید انبوه آن آغاز خواهد شد.

بودجه نظامی کشور، بیش از هر چیزی ناشی از کاهش بودجه عمومی کشور و بدهی کلان نزدیک به ۴۰ میلیارد دلاری است. بسا این حال نظامیان حکومتی ادعا می کنند که ارتش ایران از کارآمدترین ارتش های جهان است. پاسداران اخیراً ادعا کرده که نیروهای محسن رضایی فرمانده کل سپاه

۵۰٪ مسیژان برنامهریزی شده تجاوز نکرده است. در ۶ سال گذشته به جای خرید صد هواپیمای جنگی، موفق به خرید تنها ۶ فروند هواپیمای گروید و از ۲۰ تانک پیش بینی شده به میزان یک پنجم آن و از ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه توپ، حدود ۱۰۰ عدد خریداری کرده است. کاهش نسبی

رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختصاص ۲ میلیارد و ۹۴۰ میلیون دلار بودجه برای مصارف نظامی، به دلیل بحران شدید مالی به بسیاری از اهداف خود در زمینه تأمین تسلیحات دست نیافته است. به نوشته واشنگتن پست جمع کل خریدهای تسلیحاتی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر از

محمد کاظم انبار لویی، سردبیر روزنامه رسالت

اگر قرار است با میدین در مقوله آزادی احزاب و تضارب آراء، آن هم از سوی روزنامه رسمی و دولتی، میدان فعالیت بیشتر و رسمی تر به امثال روشنفکران طرف صحبت شما داده شود، بنده حاضر جان خود را بدمم تا چنین آزادی تحقق پیدا نکند!

مهدی نصیری، مدیر مسئول هفته نامه صبح در گفتگو با روزنامه ایران

جمهوری اسلامی دموکراتیک ترین حکومت روی زمین است... «ژرفا»، «بُرد» و «پهنآوری» دموکراسی در ایران قابل مقایسه با هیچ نظام دموکراتیک نیست!

بنده حاضر جانم را بدمم..!

از پیام های تلفنی خوانندگان روزنامه سلام

جمهوری اسلامی مسئولیت وزیر اطلاعات خود در ترور برلین را همچنان انکار می کند

روزنامه سلام: تکذیبها نشانه درستی اصل خبر است

مقامات جمهوری اسلامی در برابر اتهاماتی که از سوی دادستانی آلمان، مبنی بر دخالت علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم در واقعه ترور

«اتهامی» که باعث سرشکستگی هیچ ایرانی نیست!

حکومت اسلامی برای این که همدردی مردم ایران را نسبت به وزیر اطلاعات چنایکتار خود به دست آورد، اتهامات دادستانی آلمان و گزارشات نشریات خارجی در این مورد را «تبلیغات ضد ایرانی» نامید. موارد نادری بوده است که سران حکومت، در حیات ۱۶ ساله خود به یاد ایران و ایرانیان بیفتند و این لحظات نادر لحظاتی بوده است که احساس کرده اند به سلاحی نیرومندتر از تبلیغات ارزان قیمت هر روزه اشان برای دفاع از خود و فریب مردم نیاز دارند. غیر از این لحظات نادر، هر چه در کلام و سخن حکومتگران بوده، نفی ایران و ایران دوستی و تبلیغ امت و اسلام پرستی بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی هیچ ربطی به ایران و ایران دوستی ندارد که سرشکستگی آن در جهان به حساب سرشکستگی ایران گذاشته شود. این رژیم، رژیمی است که به ناحق نام و نمایندگی ایران را در دنیا غصب کرده و تا به حال نیز هر چه کرده جز سرشکستگی برای کشور ما نبوده است. محکومیت این رژیم و رسوایی هر چه بیشتر آن در جهان مایه سرشکستگی هیچ ایرانی آزادی خواهی نیست. ننگ و سرشکستگی آن جا است که حکومت اسلامی نماینده ایران و مردم ایران تلقی شود و سربلندی و افتخار، آن جاست که به جهانیان ثابت شود مردم ایران این رژیم را از خود و کشور خود نمی شناسند.

در ایران همه از آزادی احزاب سخن می گویند...

احزاب و گروههای سیاسی آشکار داریم. وی اطمینان داد که با تشکیل «احزاب سیاسی آشکار در درون نیروهای وفادار به نظام و قانون اساسی» امکان توسعه و سازندگی تندتر خواهد شد.

در این میان، روزنامه سلام که از پیشگامان و مدافعان فعالیت احزاب، در چهارچوبه نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی بوده است، نسبت به آنکه بخواهد موج گرایی به سوی فعالیت حزبی را که در کشور در حال پدید آمدن است به سوی یک حزب فرمایشی و گوش به فرمان بکشاند، ابراز نگرانی کرد:

«به هر حال امروز ناگهان همه به این فکر افتاده اند که حزب خوب است و حتی زندگی بدون حزب غیرممکن است و حتی عدای به فکر حزب فراگیر افتاده اند. مجموعه اظهاراتی که این روزها در رابطه با حزب می شود، این نگرانی را دامن می زند که نکند حزبی (راه) بیاندازند با تبلیغات وسیع و حمایت صاحبان قدرت و چنان وضعی پیش بیاورند که هر کس در این حزب شرکت کند و عضو شود، کاملاً اسلامی و طرفدار ولایت فقیه و ضد آمریکا و خلاصه واجد همه ارزشهاست و هر کس با وجود این حزب اقدام به تشکیل حزبی دیگری کند و یا در حزب دیگری عضو شود، قطعاً طرفدار اسلام آمریکایی و ضد ولایت فقیه و طرفدار رابطه با آمریکا و خلاصه ضدانقلاب و مشکوک و لازم است با آن برخورد شود».

رژیم اسلامی در شمال آلمان فرودگاه می خرد

جزیره، خبر مذاکرات در این مورد را تأیید کرد. این فرودگاه تحت مالکیت مشترک دولت فدرال آلمان و شهرداری جزیره است. لازم به تذکر است که دو سال پیش نیز فرودگاهی در آلمان در اختیار عدهای ایرانی قرار گرفته بود. این فرودگاه نام فرودگاه آیت الله هاشمی و از آن برای مقاصد توطئه گرانه جمهوری اسلامی از جمله صدور اسلحه استفاده می شد.

برلین اعلام شده است، هم بسیار دیر و هم بسیار متناقض واکنش نشان دادند. در حالیکه سخنگوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، «ادعاهای» دادگاه برلین علیه جمهوری اسلامی را «بی اساس» خواند، علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تکذیب نمود که دادستانی آلمان حکمی علیه فلاحیان صادر کرده باشد و سفیر جمهوری اسلامی در آلمان هرگونه اتهام درباره وزیر اطلاعات رژیم را «کذب محض» نامید. سخنگوی وزارت اطلاعات در مصاحبه با واحد مرکزی خبر مدعی شد: «هیچ یک از متهمان دادگاه میکونوس برلین ارتباطی با وزارت اطلاعات ایران نداشته اند و اخبار مغرضانه ای که در مورد ارتباط و تماس آن ها با این وزارت در خصوص واقعه ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ در برلین طرح می شود، نادرست است. سخنگوی وزارت اطلاعات در این مصاحبه اتهامات دادستان کل آلمان به علی فلاحیان را تأیید نمود اما آن ها را نادرست خواند. این در حالی است که حسین موسویان، سفیر جمهوری اسلامی در بن، سخنان ولایتی را تکرار کرد و مدعی شد: «هیچ حکمی از سوی دادستانی آلمان

خبرهای کوتاه

تشکیل حزب «مستقل» مردم ایران

قاسم شعله سعدی عضو کمیسیون سیاست خارجی و نماینده شیراز در مجلس جمهوری اسلامی اعلام کرد که قبل از برگزاری مجلس پنجم حزبی «مستقل» به نام «مردم ایران» تشکیل خواهد شد. او گفت گروه مستقل سومی که در برخی محافل به نام «میانرو» یا «فن گریان» شهرت یافته اند، در صدد تشکیل یک حزب اسلامی هستند که وابستگی به هیچکدام از دو جناح اصلی اکثریت و اقلیت در مجلس ندارد. شعله سعدی التزام به اسلام و ولایت مطلقه فقیه، پایبندی به قانون اساسی، داشتن تخصص و تجربه در یکی از رشته ها، آزادی و تلاش برای دفاع از حقوق فردی و اجتماعی را از جمله شرایط عضوگیری در این حزب دانست.

ولایتی کاندیدای ریاست جمهوری نیست

علی اکبر ولایتی که از مدتها پیش در محافل جمهوری اسلامی به عنوان کاندیدای پست ریاست جمهوری مطرح بوده است، تصریح کرد که کاندیدای پست ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۳۷۶ نخواهد بود. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور که نام او نیز در محافل یاد شده ذکر شده بود، ماه گذشته احتمال کاندیداتوری خود را رد کرد. به این ترتیب از میان کسانی که نام آنها تا کنون به میان آمده است تنها ناطق نوری رئیس مجلس، به اشکال گوناگون اعلام آمادگی خود را اعلام کرده است.

۱۰ هزار تلفن سیار در تهران

مهندس رشیدی معاون برنامه ریزی و توسعه شرکت مخابرات اعلام کرد که تا به حال ۱۰ هزار شماره تلفن سیار (موبایل) در استان تهران توزیع شده و طی چندماه آینده حدود ۹۰ هزار شماره دیگر در این استان واگذار خواهد شد. وی همچنین گفت شهرهای کرمان، شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز، بندرعباس و اهواز نیز تا نیمه اول سال ۷۵ به شبکه تلفن سیار متصل خواهند شد. قرار است مشترکین در هر شهر از ۵۰۰۰ شروع شده و به تدریج بر تعداد آنها افزوده شود.

تعطیل جمعه بازارهای ایران هنگام نماز جمعه

طی بخشنامه ای که اخیراً از سوی وزارت کشور به کلیه استانداران ابلاغ شده، کلیه جمعه بازارهای سراسر کشور باید یک ساعت قبل از شروع تا یک ساعت پس از پایان نماز جمعه، کاملاً تعطیل باشند.

انتشار ۱۳ نشریه جدید

علی اکبر اشعری معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد رژیم، از دادن مجوز برای انتشار ۱۳ نشریه توسط هیئت نظارت بر مطبوعات خبر داد. نشریات «دریچه» به صاحب امتیازی لطف الله اجدانی، «رویداد» به صاحب امتیازی دانشگاه زنجان، «کارمند» به صاحب امتیازی سازمان امور اداری و استخدامی کشور، «ارمغان» به صاحب امتیازی مسعود کریم پور نطنزی، «هما» به صاحب امتیازی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی، «طلوع» به صاحب امتیازی محمد مهدی جعفرزاده، «روانشناسی ایران» به مسئولیت علی شریعت مداری، «فردنامه صدر» با مسئولیت محمد حسین خامنه ای، «الزهر» با مسئولیت فریده مصطفوی، از جمله نشریاتی هستند که مجوز انتشار آنها اخیراً صادر شده است.

تعطیلات زمستانی مدارس یک هفته می شود

محمد علی نجفی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که با شروع سال تحصیلی از ۱۵ شهریور ماه از سال آینده، همزمان با پایان نیمه اول سال تحصیلی در اواخر دی ماه، تعطیلات زمستانی به مدت یک هفته پیشینی باشد.

ادامه فروش سهام کارخانه های دولتی

روند واگذاری سهام کارخانجات دولتی به بخش خصوصی که در سال ۷۴ متوقف شده بود از سال دیگر ادامه خواهد یافت. معاون امور مالی وزارت صنایع جمهوری اسلامی ضمن اظهار این خبر اعلام کرد که تاکنون ۱۲۰ واحد صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و بیست کارخانه متعلق به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به بخش خصوصی واگذار شده است.

صد هزار دانشجوی پزشکی در دانشگاه های دولتی

سید حسن امامی معاون دانشجویی و امور مجلس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد که در دانشگاه های دولتی ایران یکصد هزار دانشجوی پزشکی مشغول تحصیل هستند. وی گفت که در حال حاضر ۳۶ هزار پزشک در ایران وجود دارد که با احتساب رقم ۶۰ میلیون نفر برای جمعیت ایران به ازای هر ۱۶۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد. قرار است در صورت اجرای برنامه دوم پنجساله، تعداد پزشکان کشور به ۶۰ هزار نفر برسد.

معافیت بخشی از مشمولان و سربازان فراری

محسن انصاری معاون هماهنگ کننده نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرد که مشمولان خدمت وظیفه عمومی که وضعیت خدمت خود را تا اول سال ۷۱ روشن نکرده باشند با پرداخت مبلغی بین ۳۵۰ هزار تومان تا ۲ میلیون و پانصد هزار تومان معاف خواهند شد. طرح مذکور شامل هفت دوره برای مشمولان و سربازان دارای تحصیلات بالای فوق دیپلم و سه دوره برای تحصیلات کمتر از آن است. متولدان سال های ۱۳۲۸ تا پایان ۱۳۳۷ با تحصیلات دکتری رشته های مربوط به پزشکی و متولدان ۱۳۳۴ تا پایان ۱۳۴۳ با تحصیلات لیسانس و بالاتر رشته های دیگر، مشمول طرح یاد شده می باشند.

بقیه از صفحه اول
خبرگزاری جمهوری اسلامی، به یک نظرخواهی نسبتاً گسترده، در مورد ضرورت فعالیت های حزبی در کشور دست زده است و در این نظرخواهی برای نخستین بار سخنان روشنفکران دگراندیش کشور را نیز در کنار نظرات مقامات و روزنامه نگاران حکومتی منتشر کرده است.

و در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس، حاکمیت باید ظرفیت خود را با تحمل دو سه نماینده از گروه های مخالف در مجلس، نشان دهد.

شاهرخ توپسرکانی، سردبیر ماهنامه دنیای سخن، احزاب را به فرزندان جامعه تشریح کرد و گفت: «جامعه بدون احزاب، شبیه خانه و خانواده بدون فرزند است و خانه و خانواده ای که از حضور فرزندان (هر کدام با خوی و خصلت خویش) و نقش زندگی ساز و فرحبخش آنان بی نصیب باشد، جز رخوت و افسردگی و سکوت بهره ای نخواهد برد. توپسرکانی نیز تأکید کرد باید: «آزادی احزاب (در عمل و به عین) اتفاق بیفتد و نه تنها با در دست داشتن مجوزی از وزارت کشور، به محفل منفعل و یا انجمنی جهت سودجویی ها و اعمال سلیق جریان بدل شود. احزاب باید با اقتدار و رای مستقل به وجود آمده و وارد عمل شوند، و به هیچ قدرتی اجازت ندهند که اهداف سازنده آنان را به سوی حرکت های تشریفاتی سوق دهد».

عباس معروفی، مدیر مسئول ماهنامه گردون گفت: «ایران در سالهای اخیر به دلیل عدم فعالیت احزاب سیاسی، در حال حاضر در وضعیتی به سر می برد که می توان گفت کفه ترازو و تعادل برقرار نیست». به عقیده وی: «امروزه پیش از آن که به حکومت فکر کنیم، موظفیم به جامعه بپردازیم. جامعه سالم و نقدپذیر، حکومت را از بلایای گوناگون مصون می دارد، اما اگر با این تفکر به قضیه نگاه کنیم که همه مثل هم فکر کنند، هیچ کس سرخ آنها را کیش نکند، مثل تفکری که برخی افراد و روزنامه نویسی ها اعتقاد دارند، این فقط نگاه کردن به نوک بینی است».

خلاف روزنامه نگاران مستقل، که بر ضرورت آزادی احزاب دگراندیش تأکید می کنند و نگرانی خود را از تشکیل احزاب فرمایشی و حکومتی و دخالت حکومت در کار احزاب اعلام می کنند، مقامات و روزنامه نگاران حکومتی به طور عمد فعالیت فعالیت احزاب طرفدار حکومت و قانون اساسی را، آن هم به طور مشروط مورد تأیید قرار می دهند و نگران

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش فدائیان خلق



نظرسنجی از یاران و دوستداران سازمان

لحظه تأمل!

۸ - نخستین کنگره سازمان - با هر معیاری - یک نقطه عطف مهم در حیات سازمان است. تصمیمات این کنگره را در جهات عمده زیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- # در حفظ و احیای وحدت صفوف سازمان:
- موفق بود موفق نبود (نظر دیگر)
- # در جلب کادرهای سازمان به کار سازمانی و فعالیت بیشتر:
- موثر بود بی‌تاثیر بود اطلاع ندارم
- # در زمینه تحقق موازین دموکراتیک در حیات سازمانی:
- مثبت بود منفی بود مشخص نیست
- # در ارائه یک ارزیابی درست و منصفانه از گذشته
- موفق بود موفق نبود برایم مشخص نیست
- # در تدوین یک خط مشی کلی روشن و بسیج‌گر:
- توانمند بود ناتوان بود نمی‌دانم
- # در معرفی چهره‌های قابل اعتماد و جذاب از سازمان به دیگر فعالین
- چپ و دمکراتیک:

- موفق بود موفق نبود نمی‌دانم
- # از هر جنبه دیگر... (توضیح دهید)
- مثبت بود منفی بود
- # از هر جنبه دیگر... (توضیح دهید)
- مثبت بود منفی بود

۹ - در طول این ۲۵ سال کدام عمل سازمان یا واقعه معین در رابطه با سازمان بیشترین تاثیر را، مثبت یا منفی، بر ذهن شما گذاشته است. ۵ مورد را با ذکر جهت به ترتیب اهمیت نام برید:

- ۱ -
- ۲ -
- ۳ -
- ۴ -
- ۵ -

۱۰ - مهمترین نقطه ضعف سازمان در وضع فعلی را در کجا می‌بینید. به ترتیب اهمیت تا سه مورد را نام برید

- ۱ -
- ۲ -
- ۳ -

۱۱ - مهمترین و مثبت و برجسته‌ترین نقطه قوت سازمان که باید حفظ یا تقویت شود را، در کجا می‌بینید؟ تا سه مورد را به ترتیب اهمیت شرح دهید.

- ۱ -
- ۲ -
- ۳ -

۱۲ - در ذیل مهمترین سوال‌هایی را که باید طرح شود ولی در این پرسشنامه طرح نشده را، به ترتیب اهمیت خودتان طراحی کنید و پاسخ دهید:

- سوال اول:
- سوال دوم:
- سوال سوم:

برای دقت بخشیدن به نظرخواهی لطفا جدول زیر که حاوی مشخصات پرسش‌شونده است، را نیز پر کنید

- سن:
- جنس:
- وضعیت تاهل:
- مدت اقامت در خارج:
- تحصیلات:
- وضعیت اقامت:
- وضعیت اشتغال:

برای دقت بخشیدن به نظرخواهی بعدی لطفا درباره شکل، مضمون و زمان و هر نوع نقطه ضعف یا قوت دیگر که در این پرسشنامه مشاهده می‌کنید خلاصه‌ی نظر خود را شرح دهید.

هر سالی که ۱۹ بهمن نزدیک می‌شود، هزاران هزار از ایرانیانی که خود را به نوعی در پیوند با نهضت فدایی احساس کرده‌اند چه با مرور خاطرات، چه با تکرار تصویری از آرمان‌ها و چه با نگاهی به وضع فعلی و یا به طرق دیگر، لحظه‌ی فضاوینی تازه‌تر را با خود به جشن این زادروز می‌برند. و امسال که ۲۵ سالگی است، پرواز اندیشه‌ها طبعاً بعد دیگری دارد: امسال را ارزیابی‌ها و نظرها دیگر نه چندان سال به سال، که دربرگیرنده‌ی دهه‌ها و شاید هم یک ربع قرن است. از این رو نشریه «کار» بر آن شده که شاید مفید باشد این برگ را زورقی کنیم که بار اندیشه‌ی هر یاور این سازمان را به هر سوی دیزها بکشاند و از دیگری بپرسد که نوجه فکر می‌کنی؟

پرسشنامه‌ای را تهیه دیده‌ایم که همان می‌کنیم همگانی‌ترین پرسش‌ها بپرسیم، بی‌آنکه همان‌زینیم پاسخ‌ها تا چه میزان همگانی‌اند. پرسش‌نامه را به مناسبت بیست و پنجمین زادروز جنبش فدایی انتشار می‌دهیم و از شما می‌خواهیم که ضمن پاسخگویی به آنچه که در این پرسش‌نامه طرح شده هر نوع سوال دیگری را نیز که برای همه پرسشی ضروری می‌دانید به انتهای پاسخ‌های خود بیافزایید.

تجربه قبلی نشان داده که کار اساسی برای استخراج و جمع‌بندی نتایج نظرسنجی، پیش از پیش‌بینی، زمان می‌برد. لذا اگر کار خوب پیش برود و اکثر پاسخ‌ها تا قبل از ۱۹ بهمن (۱۰ فوریه ۹۶) بدست ما برسد ما برای روز جشن سالگرد فقط قادر خواهیم شد نتایج اولیه را به اطلاع خوانندگان خود برسانیم.

۵ - درباره نقش هر یک از نیروهای سیاسی مخالف در مقابل حکومت در سالهای پیش از انقلاب تا اوایل دهه ۶۰ قضاوت‌های حاد وجود دارد. شما سیاست‌ها و خط مشی‌های سیاسی متخذه از جانب کدام یک از نیروهای سیاسی زیر را بر سیاست‌های متخذه از سوی سازمان ترجیح می‌دهید و کدام یک را منفی‌تر ارزیابی می‌کنید (سیاست سازمان مینا و شماره آن صفر. سیاست‌های منفی‌تر را با شماره‌های منفی بزرگتر و سیاست‌های مثبت‌تر را با شماره‌های مثبت بزرگتر نمایش دهید):

- سازمان مجاهدین و متحدین
- اقلیت، پیکار، راه کارگر - نهضت آزادی، حزب ملت ایران، جاما، جنبش مسلمانان مبارز
- نهضت مقاومت ملی و سایر محافل مشابه
- (نیروی دیگر، نام برید)
- (نیروی دیگر، نام برید)

۶ - طی این ربع قرن، سازمان سه بار و هر بار از پی گسترش شکل‌گیری و یا جایگزینی یک سیستم بنیادین نظری - فکری در صفوف آن، خود را به صورت زیر تعریف کرده است:

- دوره اول - سازمان سیاسی - نظامی و پشاهنگ خلق
- دوره دوم - سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران و جزیی از جنبش جهانی کمونیستی و کارگری

دوره فعلی - سازمانی چپ و دموکراتیک با آرمان‌های سوسیالیستی. شما روند این تحول ماهوی را چگونه می‌بینید؟ (خانهدی مورد نظر خود را علامت بزنید)

- روند تحول فکری از دوره اول به دوم و دوم به سوم مثبت است.
- روند تحول فکری از دوره اول به دوم مثبت، از دوره دوم به سوم منفی و قهقرازی است.
- روند تحول فکری در سازمان کلا در جهت قهقرا نبوده است اما هویت فعلی باید تغییر کند.
- روند تحول فکری از دوره اول به دوم منفی و از دوره دوم به سوم مثبت بوده است.
- (ارزیابی دیگر - توضیح دهید)

۷ - در اولین سال‌های پس از انقلاب، سه گروه از سازمان جدا شدند. باشناختی که از مواضع و دیدگاهها و نیز از روند اختلافات دارید کدام عوامل رادر این جدایی‌ها موثرتر می‌دانید؟ به ترتیب شماره بزنید.

- سمت‌گیری‌های فکری و سیاسی (در انشعاب اول دوم سوم در دو راستای متضاد انکشاف می‌یافت و حفظ وحدت غیرممکن شده بود و یا می‌شد)
- فقدان یا ضعف دمکراسی درون سازمان، به طور مشخص فقدان حق بیان و انتشار آرا و عقاید در سازمان و عدم امکان انتخاب رهبری توسط اعضا در مقطع حدت اختلاف راهی جز انشعاب باقی نمی‌گذاشت.
- برخورد نادرست، تیره کردن مناسبات و اعمال تخریبی، عدم تحمل و فقدان تجربه کافی (در انشعاب اول دوم سوم)
- شرایط بحرانی و بغرنج، مداخلات دیگران
- عوامل دیگر (شرح دهید)
- عوامل دیگر (شرح دهید)

۱ - مهمترین دلیل پیدایی جنبش فدایی را در چه می‌دانید؟ به ترتیب شماره‌گذاری کنید (اگر با هر یک مخالفید علامت ۰ بگذارید):

- وحدت دیکتاتوری
- انفعال موجود در چپ ملی سنتی
- گسترش موج چپ نوین در جهان
- تغییرات در ساختار زیربنایی جامعه
- تصمیم و اراده بنیانگذاران سازمان
- (دلیل دیگر)
- (دلیل دیگر)

۲ - در دهه ۴۰، در میان فعالین چپ، این فکر کاملاً غالب بود و تقریباً همگانی شد که جز اتکاء به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه هیچ راه دیگری وجود ندارد که به اتکای آن بتوان مبارزه علیه رژیم موجود را سازمان داد. اگر شما در آن زمان نظر دیگری جز این نظر عمومی داشتید چه می‌کردید. به ترتیب انتخاب‌های خود را شماره بزنید:

- پیوستن به محافل مخالف و تقویت آنها
- پیوستن به جریان همگانی و تلاش جهت تعدیل آن
- انتظار یا حرکت فردی تا زمانی که وضع تغییر کند.
- راه حل دیگر
- راه حل دیگر

۳ - در مقطع انقلاب بهمن، فداییان، همه تمایلات غیرمذهبی جامعه را به سوی خود متمایل ساخته و دیگر جریانهای غیر مذهبی اعم از چپ و ملی در انزوای نسبی بودند. دلیل اصلی این موقعیت چه بود؟ به ترتیب شماره بزنید:

- عملیات مسلحانه و ایستادگی قهرمانانه فدائیان در مقابل سرکوب در دوره پس از شکست ۲۲
- شرکت فعال در روند انقلاب و تاکتیک‌هایی که با روانشناسی مردم بیشترین تطابق را داشت.
- تلقی عمومی دایر بر اینکه فداییان صادق‌اند و سیاست‌های آنها تابع تصمیم و تمایل بیگانگان و یا به خاطر پول و مقام نیست.
- ضعف و ناتوانی و یا اشتباهات دیگر گروه‌های چپ
- (دلیل دیگر)
- (دلیل دیگر)

۴ - شرکت سازمان در انقلاب بهمن - همچنان در اذهان فداییان و دیگران مدام مرور می‌شود. نظر فعلی شما در این باره چیست؟ به ترتیب شماره بزنید. اگر مخالفید (۰) بگذارید:

- شرکت سازمان در انقلاب و سرنگونی رژیم پهلوی بیشترین بهره‌اش نصیب خمینی شد و لذا اشتباه بود.
- شرکت سازمان در انقلاب، علیرغم بهره‌اش برای خمینی صحیح بود. سازمان می‌بایست مخالف پیگیر شاه باقی می‌ماند.
- شرکت سازمان در انقلاب صحیح بود. سازمان می‌بایست مخالف پیگیر شاه باقی می‌ماند و از همان روزهای پیش از انقلاب با استقرار حکومت مذهبی نیز مخالفت می‌کرد.
- (نظر دیگر)
- (نظر دیگر)

به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش فدایی

اسناد، قطعنامه‌ها، قرارها و پیام‌های چهار کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳۶۹ - ۱۳۷۴ به زودی منتشر می‌شود

یک چهارم قرن
پیکار فدائیان خلق ایران
در راه صلح، آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم
را گرامی بداریم
ستاد برگزاری جشن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با کمک‌های مالی خود
فدائیان خلق (اکثریت)
را در انجام وظایف ملی - دموکراتیک یاری دهید
نشریه «کار»
را مشترک شوید و اشتراک آنا را به دوستان و
آشنایان خود نیز توصیه کنید

در ایران، برای هر هزار نفر، ۲۶ روزنامه وجود دارد

جایزه پازولینی برای کیارستمی



آخرین اطلاعات از وضعیت مطبوعات کشور نشان می‌دهد که از نزدیک به ۶۲۲ نشریه‌ای که برای انتشار اعلام آمادگی کرده‌اند، تنها ۵۲۴ نشریه فعال هستند و ۱۰۰ نشریه به علل مختلف و از جمله سانسور، کمبود کاغذ و گرانی ابزار و لوازم چاپ، انتشار نمی‌یابند. معاون وزیر ارشاد اخیراً در آراک اعلام کرد که تیراژ کل نشریات ایران یک میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه است که یک میلیون نسخه آن مربوط به تیراژ روزنامه‌ها و بقیه متعلق به هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌هاست، این در حالی است که مجله مستقل گزارش در سرمقاله یکی از شماره‌های اخیر خود تیراژ کل نشریات دارای مجوز - اعم از دولتی و مستقل - را حدود ۴۸۰ میلیون نسخه در سال اعلام کرده است.

ضعف فرهنگ مطالعه در کشور ما، سانسور دولتی که نشریات و بویژه روزنامه‌ها را تنها به ارائه خبرها و گزارش‌های یکدست و یابداکثر طرح مسائل مربوط به درگیری جناح‌های حکومتی و داشته، گرانی و کمیابی کاغذ و لوازم چاپ، کمبود کادر حرفه‌ای در عرصه روزنامه‌نگاری که قسماً به مهاجرت جمع چشمگیری از اهل این حرفه مربوط می‌شود، افت آموزشی در دانشکده و موسسات مربوط به روزنامه‌نگاری و امور رسانه‌ها و... از مهم‌ترین زمینه‌های افت تیراژ

مطبوعات در کشور به شمار می‌آیند. این افت به رقابت میان رسانه‌های دیداری - شنیداری (رادیو، تلویزیون و...) و رسانه‌های چاپی نیز مربوط می‌شود که ضعف مطبوعات در این عرصه باز هم تا حدودی به عوامل مذکور برمی‌گردد. طبق آمار یونسکو

بنیاد پیرو پائولو پازولینی، سینماگر و شاعر نامدار ایتالیا، جایزه امسال خود را به عباس کیارستمی کارگردان معروف سینمای ایران اعطا کرد. این جایزه که از ۱۹۸۶ سالانه به برگزیدگان رشته شعر و سینما داده می‌شود امسال به خاطر «سیمی»

شاعرانه و انسانی» کیارستمی به وی تعلق گرفت. در مراسم اهدای این جایزه که روز چهارشنبه بیست و دوم آذر ماه (۱۳) دسامبر) در رم برگزار گردید برتولچی سینماگر نامدار ایتالیا، جایزه مذکور را به کیارستمی اهدا کرد.

«بادکنک سفید»

قربانی کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی

ارسال «بادکنک سفید» به اسکار را نمی‌دهد. سالهای سال جمهوری اسلامی با اشاره به چالش‌ها و تضادهای خود با دولت آمریکا از رفتن تسمیه‌های ورزشی ایران به مسابقاتی که در آمریکا برگزار می‌شوند، جلوگیری کرد. حال ظاهراً مقامات اسلامی دامنه این گونه تسمیه‌های غیراصولی را به گستره سینما نیز کشانده‌اند.

فیلم «بادکنک سفید» ساخته جعفر پناهی که سال گذشته یکی از جوایز جشنواره کان فرانسه را ربود، قرار بود به عنوان فیلم پیشنهادی ایران برای جشنواره اسکار ۹۶ معرفی شود. اما جمهوری اسلامی در یک اقدام نسنجیده، تصویب بودجه ۲۰ میلیون دلاری کنگره آمریکا برای ضربه زدن به حکومت ایران را بهانه قرار داد و برای «تلافی» اعلام کرد که اجازه

معرفی کتاب

نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان

انتشارات روشنگران - تهران

چاپ اول: ۱۳۷۳

نویسنده: شینودا بولن

مترجم: آذر یوسفی

فرانسه: روشنفکران و اعتصاب‌ها

دستکم از بعد از مرگ ژان پل سارتر، نویسندگان و روشنفکران فرانسه کمتر خود را درگیر امور سیاسی و جنبش‌های اجتماعی می‌کرده‌اند، به گونه‌ای که آنها پیوسته به «برج عاج‌نشین» متهم شده‌اند. حتی از مایشای اتمی اخیر فرانسه و سر و صدا و اعتراض‌هایی که این آزمایشها در جهان ایجاد کرد نیز نتوانست روشنفکران و اندیشمندان فرانسوی را برای موضعگیری و موافقت یا مخالفت بسان دهه‌های پیش به صحنه بیاورد. با اعتصاب اخیر کارگری در فرانسه اما، به نظر می‌آید که اوضاع تا حدودی دگرگون شده است. پیر بوردو، فیلسوف و نویسنده معروف فرانسوی پایه پای اعتصابگران به تظاهرات خیابانی پرداخت و در یک سخنرانی آنتین مبارزه کنونی را قیام دموکراسی علیه تکنوکراسی ارزیابی نمود و به کسانی که شعار «لیبرالیسم یا بربریت» را سر داده‌اند به سختی حمله کرد. برنارد هنری لویی، فیلسوف و اندیشمند دیگر فرانسوی، طرح‌های دولت ژوپه را نبردی خودکشانه علیه چهارستون اصلی جامعه فرانسه (سیستم آموزشی، موقعیت خوب کارکنان دولت، تامین اجتماعی و اصلاحات مالیاتی) خواند. زوی دبره چهره معروف چپ فرانسه ضمن همبستگی با اعتصابگران، آنها را به

فضیلت باز می‌دارد. به قول او: «زن با انتخاب حرفه مردانه، با درس خواندن و کار کردن همچون مردان، نه تنها با طبیعت زنانه خویش ناهمگونی می‌کند، بلکه بدان آسیب نیز می‌رساند.» اگر خدایانوان، همچون الگوهای طبیعی رفتارهای زنانه انگاشته شوند، در آن صورت زنی که ذاتاً آنتای عاقل یا آرتیمیس رقابت‌گر است، در مقام واقعیش دآوری می‌شود و هسان با خدایانوی خاص درون، به اصل خود وفادار می‌ماند. این زن، نه آن گونه که فریود می‌پنداشت، دارای عنصر نرینگیست و نه آن طور که یونگ فرض می‌کرد، ذهنیت مردانه دارد و با انیماس خویش همسانی می‌کند.

مختاری هستند. بکارت این خدایانوان، اشاره به بخشی از روان زن دارد که تحت سلطه و تسلیم مرد در نمی‌آید و از تایید او بی‌نیاز است. گروه دوم، هرا با نام رومی ژونو، دیمیتز با نام رومی سرس و پرسه‌فون با نام رومی کوریای دوشیزه می‌باشند. این‌ها خدایانوان آسیب‌پذیر و مظهر نقش‌های سنتی زنان یعنی همسر، مادر و دختر هستند. آن‌ها رابطه گرایند، به نوری که هویت و سلامتشان مشروط به رابطه‌ای اساسی در زندگی‌شان است. آن‌ها تجلی نیاز زنان به پیوند و ارتباطند و از آن جا که خود را با دیگران هماهنگ می‌کنند، مورد تجاوز، سلطه و استیلا خدایان مذکور قرار گرفتند و از آنان رنج بسیار کشیدند و گاه به بیماری روانی دچار شدند. رنج، ذاتی این خدایانوان است. زانی که با این خدایانوان احساس یگانگی می‌کنند، از هوشیاری پراکنده‌ای برخوردارند و نیز مستعد قربانی شدن هستند.

گروه سوم، آفرودیت یا ونوس، با نام رومی اورانوس، که خدایانوی عشق و زیبایی و کیمیاگری بوده است. او در میان خدایانوان، زیباترین و وسوسه‌انگیزترین و مظهر عشق و زیبایی و کشش‌های شهوانی و هوس بود و روابط بسیاری برقرار کرد و کودکان چندی به دنیا آورد. آفرودیت روابطش را خود برمی‌گزید و هرگز قربانی هیچ‌کس نشد. همچون خدایانوان باکوره قادر به حفظ خودمختاری و همچون خدایانوان آسیب‌پذیر، در تداوم روابطش توانا بود و با هوشیاری، امکان رابطه دوجانبه را فراهم می‌آورد. نمونه آفرودیت، زنان را بر آن می‌دارد تا بیشتر در پی روابط خود باشند. زنان تحت تاثیر این خدایانوان، خلاقیت و تغییر و تحول را ارج می‌نهند.

در جوامع پدرسالار، نقش‌های پذیرفته شده برای زنان محدود به دوشیزه بودن (پرسه‌فون)، همسر بودن (هرا) و مادر بودن (دیمیتز) است. آفرودیت، «زن هرزه» و «اغواگر» است و هرای سرسخت و خشمگین نیز زنی «سلیطه» خوانده می‌شود، بسیاری از فرهنگ‌های گذشته و حال، آشکارا هوس و ذکاوت و امیال جنسی زنان را

خاتم بولن می‌گوید: «نظریه جدیدی که در این کتاب بدان پرداخته‌ام، بر اساس وجود «کهن نمونه» هاست. مفهومی که یونگ وارد عالم روان‌شناسی کرد را رد نمی‌کند، اما تصور بر این است که این الگوها در برخی از زنان صدق می‌کند. در بخش‌های آرتیمیس، آتنا و هستیا، من الگوهای جدیدی پیشنهاد می‌کنم که از مفاهیم یونگ فراتر می‌روند.»

خاموشی چهره برجسته جهان تئاتر

هاینر مولر، شاعر، درام‌نویس و کارگردان معروف تئاتر آلمان که در عرصه جهانی نیز نام و آوازه‌ای داشت، در روزهای پایانی سال میلادی گذشته در سن ۶۶ سالگی درگذشت. مولر که از پیروان برجسته سبک تئاتری برتولت برشت بود در درام‌نویسی و کارگردانی تئاتر و مهارتی کم‌نظیر داشت، به گونه‌ای که پیش از فرو ریختن دیوار برلین هنر تئاتر در هر دو بخش آلمان را تا حدود زیادی تحت نفوذ خود گرفته بود و در سمت و سو دادن به آن نقش ارزنده‌ای ایفا کرد.

مستخصان تاریخ و جامعه‌شناسی و امروزه روان‌شناسی، در اسطوره‌ها، به حقایق شگرفی دست یافته‌اند. بخش عمده دانش اسطوره‌شناسی امروزه، مرهون کشف گنجینه عظیم یافته‌های میان‌رودان و دشت شوش در اوایل قرن بیستم است که از تمدن‌های گوناگون باستانی ایران حکایت دارد. نویسنده از آن جا که در غرب بزرگ شده است، دیدگاه خود را تنها به اسطوره‌های غربی (یونانی و رومی) معطوف می‌کند و از خدا بانوان مشرق زمین غافل می‌ماند. اما می‌توان چنین انگاشت که اساس این خدایانوان و تاریخ‌شان مشترک است، چرا که خواننده خود را با آن یگانه می‌بیند و شخصیت او را می‌شناسد.

مولر برپای دیوار برلین، به نوشتن درام‌ها و نمایشنامه‌های انستقادی همچون «کوچ‌کننده یا زندگی در روستا» روی آورد، کاری که به اخراج وی از اتحادیه نویسندگان آلمان شرقی انجامید. بعدتر مولر دوباره به عضویت این اتحادیه پذیرفت شد و با آثاری همچون «نیرد»، «تراکتور»، «مرگ آلمان در

مولر برپای دیوار برلین، به نوشتن درام‌ها و نمایشنامه‌های انستقادی همچون «کوچ‌کننده یا زندگی در روستا» روی آورد، کاری که به اخراج وی از اتحادیه نویسندگان آلمان شرقی انجامید. بعدتر مولر دوباره به عضویت این اتحادیه پذیرفت شد و با آثاری همچون «نیرد»، «تراکتور»، «مرگ آلمان در

مولر برپای دیوار برلین، به نوشتن درام‌ها و نمایشنامه‌های انستقادی همچون «کوچ‌کننده یا زندگی در روستا» روی آورد، کاری که به اخراج وی از اتحادیه نویسندگان آلمان شرقی انجامید. بعدتر مولر دوباره به عضویت این اتحادیه پذیرفت شد و با آثاری همچون «نیرد»، «تراکتور»، «مرگ آلمان در

مولر برپای دیوار برلین، به نوشتن درام‌ها و نمایشنامه‌های انستقادی همچون «کوچ‌کننده یا زندگی در روستا» روی آورد، کاری که به اخراج وی از اتحادیه نویسندگان آلمان شرقی انجامید. بعدتر مولر دوباره به عضویت این اتحادیه پذیرفت شد و با آثاری همچون «نیرد»، «تراکتور»، «مرگ آلمان در

ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد

سهراب مشری

انرژی ایران باشد. دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی، بسیار کندتر از آنچه می‌بایست این سیاست را اجرا کرده‌اند. متجاوز از دو دهه گذشته تا پایتخت ایران دارای شبکه تقریباً سراسری گاز شد. شبکه گاز کشور هنوز به لحاظ میزان پوشش و ایمنی، نیازمند سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر است.

جستجوی منابع تازه نفت: جمهوری اسلامی می‌خواهد این سیاست را به طور کوتاهمدت اجرا کند و بدین منظور حاضر است به شرکت‌های نفتی غربی، امتیازات قابل توجهی بدهد. تحریم ایران توسط آمریکا، که با لغو قرارداد استخراج نفت با شرکت کونوکو آغاز شد، بر سر راه این سیاست جمهوری اسلامی، موانعی جدی ایجاد کرده است. در مقابل، جمهوری اسلامی که در صورت عدم دستیابی هر چه سریع‌تر به منابع جدید نفتی، به علت کاهش درآمدهایش از محل منابع بالفعل نفت ایران، شرایط حیات خود را در خطر می‌بیند، نسبت به دشوارتر شدن معامله با شرکت‌های نفتی در شرایط تحریم، با چوب حراج زدن به منابع ملی ایران واکنش نشان می‌دهد. وزارت نفت جمهوری اسلامی، به مسابقه بین‌المللی بالفعل کردن هر چه زودتر منابع جدید نفت پیوسته و برای استفاده از تخصص و امکانات شرکت‌های نفتی در این زمینه، در صورت امکان به شرایطی مانند شریک کردن پنجاه درصدی شرکت‌های نفتی در منابع ایران تن خواهد داد. شرکت‌های نفتی غربی که از موقعیت جمهوری اسلامی به خوبی آگاهند، می‌کوشند از تهران امتیازات هر چه بیشتری بگیرند. روی خوش نشان ندادن آنها به کنفرانس اخیر نفت در تهران را نیز باید از یک سو در همین راستا و از سوی دیگر، نتیجه در دستور قرار گرفتن طرح تحریم مضاعف در سنای آمریکا ارزیابی کرد. نیروهای ملی و دمکرات، باید به حراج گذاشتن منابع نفت ایران را محکوم کنند. این منشی از سوی جمهوری اسلامی تنها و تنها برای گریز از تنگنای حاد مالی کنونی به اجرا گذاشته شده و عاری از هرگونه دوراندیشی و برخورد استراتژیک به مسئله انرژی است. جز تلاش برای دستیابی کوتاهمدت به دلارهای نفتی، هیچ دلیلی وجود ندارد که در اکتشاف منابع جدید نفتی، شتاب بیش از حد نشان داده شود. احداث نیروگاه‌های آبی: جمهوری اسلامی با همکاری برخی از شرکت‌های غربی مانند ژیمنس، پروژه‌هایی را برای بهره‌برداری از سد‌های جهت تولید برق به اجرا گذاشته است. احداث چند سد بزرگ، رو به اتمام یا در جریان است. ضمن اینکه ایران با داشتن کوهستان‌های مرتفع، می‌تواند و باید بیشتر از انرژی آبی استفاده کند، بیم آن می‌رود که پروژه‌های سدسازی

جمهوری اسلامی، بدون توجه و مطالعه کافی درباره عواقب اکولوژیک سدسازی انجام پذیرد. در جهان، تجربیات منفی فراوانی مانند سد آسان در مصر وجود دارد که حاکی است سدهای عظیم، گاه صدمات غیرقابل جبران به محیط زیست وارد می‌کنند. با این حال، در صورت استفاده بیشتر از رودخانه‌های برای تأمین آب و برق در ایران، تردیدی نیست و سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه باید افزایش یابد.

تلاش برای ادامه برنامه هسته‌ای رژیم شاه: هدف مقدم در این سیاست، اتمام پروژه نیروگاه بوشهر است. شرکت آلمانی زیمنس که طبق قرارداد، موظف به اجرای این پروژه بود، تا هنگامی که جنگ ایران و عراق ادامه داشت، می‌توانست با دستاویز قرار دادن خطرات در منطقه جنگی، از ادامه کار سر باز زند. پس از جنگ، جمهوری اسلامی به تلاش دیپلماتیک گسترده‌ای برای بازگرداندن آلمانی‌ها به بوشهر دست زد. اما زیمنس و دولت آلمان درست در شرایطی که از سوی آمریکا و اسرائیل به علت همکاری با عراق مورد انتقاد قرار گرفته بودند، پس از چند سال دفع‌الوقت، بالاخره ناچار شدند به جمهوری اسلامی بپنهانند که دیگر نباید انتظار ادامه همکاری هسته‌ای با آلمان را داشته باشد. هیچگاه اعلام نشده که از این بابت، ایران متحمل لطمه مالی نیز شده است یا نه. بعید است که زیمنس در انعقاد قرارداد اولیه، امکان عقب‌نشینی از این پروژه را به نحوی که خود متحمل ضرر زیادی نشود، بگنجاند باشد.

جمهوری اسلامی پس از ناامید شدن از امکان ادامه پروژه بوشهر با کمک آلمان، به کشورهای دیگر روی آورد و عاقبت با روسیه در مورد تکمیل این پروژه به توافق رسید. دولت روسیه تاکنون علیرغم فشار آمریکا برای لغو این قرارداد بر موضع خود مبنی بر اجرای همکاری هسته‌ای با جمهوری اسلامی پافشاری کرده است. این همکاری به تکمیل نیروگاه بوشهر محدود نمی‌شود و شامل تحویل تجهیزات دیگر اتمی مانند رآکتورهای تحقیقاتی نیز خواهد شد. مسکو تنها در مورد یک دستگاه سانتریفیوژ که ممکن است از طریق غنی کردن مواد رادیواکتیو در خدمت تولید بمب اتم قرار گیرد، به آمریکا قول مساعد داده و ظاهراً حاضر است از فروش این دستگاه به ایران صرف‌نظر کند.

سرنوشت نیروگاه‌های بوشهر

رژیم شاه در چارچوب جاه‌طلبی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۵۳ با شرکت آلمانی کرافت‌ورک اوبیون (ک.ا.و.) که بعدها به مالکیت زیمنس درآمد، قرارداد احداث دو نیروگاه عظیم هسته‌ای در بوشهر را امضا کرد. عملیات اجرایی این پروژه تنها کمتر از ده ماه بعد یعنی در ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۴ با شتاب بسیار آغاز شد و تا هنگام انقلاب، تا میزان ۸۰ و ۵۰ درصد کار ساختمان دو نیروگاه پیش رفت. اینک یکی از دلایلی که برای تکمیل این پروژه عنوان می‌شود، حجم سرمایه‌گذاری دولت ایران است.

در ۱۷ سال اخیر، تأسیسات نیمه‌تمام بوشهر در معرض فرسایش بوده‌اند. هرچند جمهوری اسلامی می‌گوید کارشناسان ایرانی از این مجتمع، نگهداری کرده‌اند، اما هر ساختمان معمولی که چنین مدت طولانی پایان نیافته رها

کشورها، دیگر مسئله استفاده یا عدم استفاده از انرژی هسته‌ای مورد بحث نیست، بلکه چگونگی و زمان خاموش کردن نیروگاه‌های هسته‌ای است که مورد بحث است. در کشورهای مانند آلمان که خود دارای منابع زغال سنگ‌اند، نیروگاه‌های اتمی یکی پس از دیگری از شبکه برق خارج می‌شوند. بین احزاب آلمان در مورد زمان‌بندی حذف انرژی هسته‌ای اختلاف وجود دارد و برخی از نیروهای راست هنوز به حذف کامل این منبع انرژی معتقد نیستند، اما چه این احزاب بخوانند و چه نخواهند، خود صنعت انرژی آلمان به تدریج تکنولوژی هسته‌ای را ترک می‌کند. حتی در کشوری مانند سوئد نیز که به شدت وابسته به واردات مواد سوختی است، در یک رفراندوم، مردم به خاموش کردن نیروگاه‌های هسته‌ای رای داده‌اند. هرچند اخیراً در سوئد اعلام شد برنامه زمانی پیش‌بینی‌شده در این رفراندوم، قابل اجرا نیست، اما می‌توان اطمینان داشت که صنعت اتمی در سوئد دیگر گسترش نخواهد یافت.

انرژی اتمی برای ایران؟

البته پاسخ همه کشورها به مسئله انرژی هسته‌ای یکسان نیست. به ویژه کشورهایی مانند فرانسه که در آنها جنبش حفظ محیط زیست، به گستردگی آلمان نیست، بخش اعظم برق خود را همچنان از نیروگاه‌های هسته‌ای می‌گیرند. بدون شک، صرف مخالفت با انرژی هسته‌ای راه‌گشای کشورهایی که از سایر منابع خود قادر به تأمین نیازهای انرژی خود نیستند، نخواهد بود. در ازای انرژی هسته‌ای، باید منابعی دیگر یا امکانات عملی کاهش مصرف انرژی یافته شود. راه‌حلی که برای کشورهای مختلف برای کاستن از وابستگی به نیروی اتم یافته می‌شود، و به ویژه آهنگ کاستن از این وابستگی، یکسان نخواهد بود.

تاکنون «مسئله انرژی» در ایران مطرح نشده است. ایران، دارای منابع سربار نفت و گاز است. بهای فرآورده‌های نفتی در ایران، هنوز علیرغم چندبرابر شدن آن در سال‌های اخیر، در حدود یک پنجاهم بهای آن در کشورهای اروپایی غربی است. اگر درآمد متوسط مصرف‌کننده ایرانی، با نرخ‌های فعلی ارز، یک دهم در آمد مصرف‌کننده اروپایی باشد، هنوز نسبت یک به پنجاه در مورد محصولات نفتی، با نسبت درآمدها فاصله زیادی دارد. این در حالی است که از نظر کارشناسان، قیمت فرآورده‌های نفتی در اروپا باید به دو تا سه برابر سطح فعلی افزایش یابد تا پاسخگوی ارزش واقعی آن و به ویژه آسیب‌هایی باشد که سوختن مواد نفتی به محیط زیست وارد می‌آورد.

نتیجه آنکه در کشوری مانند ایران که با محصولات نفتی عملاً مانند یک منبع رایگان رفتار می‌شود، عملاً مسئله‌ای به نام مسئله انرژی احساس نشده است. تنها سال گذشته بود که وزیر نفت جمهوری اسلامی در توجیه گران کردن کالاهای نفتی هشدار داد که حدود ۱۰ سال دیگر، تولید داخلی نفت ایران تنها پاسخگوی نیاز داخلی خواهد بود، مگر آنکه مصرف داخلی به میزان قابل توجهی کاهش یابد.

بدون تردید، رشد اقتصادی ایران با افزایش سریع مصرف انرژی در کشور همراه خواهد بود. و در اینکه حل معضلات اجتماعی در کشور ما، بدون رشد اقتصادی امکان‌پذیر نیست، تردیدی وجود ندارد. بنابراین، «مسئله انرژی» اگر هم تاکنون به علت سیاست‌های کوتاه‌مدت رژیم‌های سلطنت و قاجات، مورد بی‌اعتنایی بوده است، از این پس باید مورد توجه قرار گیرد. هر دولتی که در ایران زمام امور را در دست باشد، باید استراتژی دوگانه‌ای را در مورد انرژی در پیش گیرد: اولاً محدود کردن افزایش مصرف انرژی، و ثانیاً افزودن منابع جدید بر منابعی که تاکنون بخش عمده نیاز انرژی کشور از آن تأمین شده است.

جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به نحوی، هر دو وجه از این استراتژی انرژی را اجرا می‌کند: دولت برای کاستن از مصرف انرژی، آسان‌ترین راه را برگزیده است: گران کردن محصولات نفتی که البته هدف مقدم آن، حل مشکلات مالی دولت است. این سیاست نیز مانند سایر سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی، بار یک معضل را به دوش اکثریت محروم جامعه منتقل می‌کند. در سیاست‌های جمهوری اسلامی، به آنچه که کمتر بهایا داده می‌شود، سرمایه‌گذاری در شیوه‌های صرفه‌جویی انرژی و ایجاد انگیزه برای کاربرد این شیوه‌هاست. برای نمونه می‌توان به طرق مختلف و مثلاً با کاهش عوارض و مالیات، بهبود ایزولاسیون ساختمان‌ها را تشویق کرد. می‌توان به جای سود بردن از واردات اتومبیل‌های کرای، شبکه عمومی حمل و نقل شهری و غیرشهری را بهبود بخشید. می‌توان با سرمایه‌گذاری در شبکه مخابرات، از رفت و آمدهای زائد اداری و تجاری کاست. در کنار این اقدامات، البته حذف سوبسید کلانی که بابت محصولات نفتی پرداخته می‌شود، ضروری است، اما فشاری که این اقدام به محروم‌ترین اقشار وارد می‌کند، باید از طرق دیگر، مانند کاستن از مالیات و عوارضی که این اقشار به دولت می‌پردازند، جبران شود.

ایران تاکنون برای تأمین انرژی مورد نیاز خود، عمدتاً به منابع نفت خوزستان متکی بوده است. این منابع، رو به پایان‌اند و بهره‌برداری از آنها پیوسته گران‌تر تمام می‌شود. جمهوری اسلامی برای یافتن منابعی دیگر، دست به یک رشته اقدامات زده است که از جمله عبارت است از:

گسترش شبکه گازرسانی و نیروگاه‌های گازی: از آنجا که منابع گاز ایران در مقایسه با منابع نفت، تقریباً دست‌نخورده است، و از آنجا که سوخت گاز برای جو عوارض منفی کمتری در قیاس با سایر سوخت‌های فسیلی دارد، استفاده بیشتر و بهتر از گاز طبیعی باید بخشی از استراتژی

زغال‌سنگ و نفت است که تازه کنترل اکثر منابع شناخته شده در آن زمانش هم در دست جهان صنعتی نبود. کشورهایی مانند فرانسه، به تدریج بخش اعظم نیاز خود به الکتریسیته را به انرژی هسته‌ای متکی کردند. یک شاخه کامل صنعت به «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» اختصاص یافت. البته این را نیز باید افزود که در آغاز، به ویژه هنگامی که قیمت نفت بسیار ناچیز بود، انرژی هسته‌ای در قیاس با سایر منابع انرژی، نه تنها چندان ارزان هم نبود، بلکه گران‌تر هم تمام می‌شد. اما بسیاری از دولت‌ها، سرمایه‌گذاری در این انرژی را به دلایل نظامی و یا در چارچوب استراتژی انرژی خود، ضروری می‌دانستند و با اختصاص بودجه دولتی به تحقیقات هسته‌ای، با وضع مالیات سنگین بر مواد نفتی و صدور آسان مجوز احداث تأسیسات هسته‌ای، به رشد سریع این شاخه از صنعت کمک می‌کردند. هر کس که با تکنولوژی هسته‌ای آشنایی داشته باشد، می‌داند که استفاده «صلح‌آمیز» از انرژی هسته‌ای، می‌تواند به سادگی در خدمت تولید سلاح هسته‌ای قرار گیرد. هم از این رو است که سازمان ملل، «آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای» را ایجاد کرده که در وین مستقر است و مهم‌ترین وظیفه‌اش کنترل تأسیسات هسته‌ای و چگونگی استفاده از موادی مانند پلوتونیوم یا اورانیوم غنی شده است که می‌تواند در خدمت تولید بمب اتمی قرار گیرد.

بدین ترتیب در حالی که پنج کشور جهان علناً و چند کشور دیگر در خفا درگیر یک مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای ده‌ساله شدند، شمار بیشتری از کشورها به استفاده «مسالمت‌آمیز» از انرژی اتمی روی آوردند. این استقبال از تکنولوژی هسته‌ای، تا اواخر دهه هفتاد ادامه داشت و کشورهایی مانند ایران را نیز دربرگرفت. رژیم شاه، سازمان انرژی اتمی را به ریاست یک معاون نخست‌وزیر ایجاد و پروژه نیروگاه اتمی بوشهر را آغاز کرد. قطعاً جاه‌طلبی‌های نظامی شاه نیز در این تصمیم مؤثر بود. در آن زمان غرب به این بلندپروازی‌های حکومت ایران با نگرانی برخورد نمی‌کرد و شاید در خفا، مخالفتی هم با تجهیز یکی دیگر از متحدانش به سلاح‌های اتمی نداشت.

چند عامل از نیمه دوم دهه هفتاد به تدریج به رویاهایی که استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ایجاد کرده بود، پایان داد: نخست، بسیاری سوانح و بیماری‌های مرگباری که در نیروگاه‌های اتمی پیش آمده بود. در آغاز، گردانندگان صنعت اتمی توانستند این حوادث را مخفی نگه دارند، اما نمونه‌هایی که در رسانه‌ها بازتاب می‌یافت، بیشتر و بیشتر شد. نام نیروگاه‌هایی مانند هاریسبورگ آمریکا به سمبل سناریوی هولناکی که می‌تواند در یک نیروگاه هسته‌ای و یا اطراف آن به وقوع بپیوندد، تبدیل گردید. دوم، انباشته شدن زباله‌های اتمی که مسئله چگونگی و کجا انبار کردنشان پیوسته حادث‌تر شد. هرچاکه صنعت اتمی برای انبار کردن این زباله‌های خطرناک در نظر گرفت، مردم منطقه به مقاومت و اعتراض برخاستند. با کشف مواردی از حمل و انباشتن مخفیانه این زباله‌ها، حساسیت مردم بیشتر شد. در بسیاری از کشورهای صنعتی، جنبش‌های ضد هسته‌ای شکل گرفت. این جنبش‌ها در طول دهه هشتاد به شکل‌گیری احزاب سبز انجامیدند که اکنون بخشی غیرقابل تفکیک از حیات سیاسی بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند. سوم، اوج‌گیری مخالفت با سلاح‌های هسته‌ای که به علت ارتباط تنگاتنگ تکنولوژی نظامی و غیرنظامی هسته‌ای، از آهنگ رشد صنعت اتمی کاست، چراکه این صنعت تا آن زمان، «اقتصادی» بودن خود را تا حدی مدیون «ثمرات جنبی» نظامی خود بود. وقتی روند بین‌المللی کنترل و کاهش سلاح‌های هسته‌ای آغاز شد، تأثیر محدودکننده خود را بر صنعت انرژی اتمی نیز گذاشت.

اما یک شک مهم‌ترین ضربه هشیارکننده، فاجعه‌ای بود که در نخستین ماده‌ای روی گاز آلمین گاریجاف در شوروی در اوکراین روی داد. در آن زمان هنوز «علییت» در شوروی تا آن حد نبود که ابعاد این حادثه بلافاصله آشکار شود. تا چند روز پس از انفجار در چرنوبیل، جهان خیر نداشت که در این نیروگاه، «بزرگترین سانحه قابل فرض» که مدافعان انرژی هسته‌ای سال‌ها می‌گفتند رخ می‌دهد، به وقوع پیوسته بود. اکنون که بیش از ده سال از فاجعه چرنوبیل می‌گذرد، می‌دانیم که تاکنون ده‌ها هزار نفر جان خود را بر اثر این واقعه از دست داده‌اند و ده‌ها هزار نفر دیگر، چه آن‌ها که هنوز زنده‌اند و چه کودکانی که در آینده به دنیا خواهند آمد، با تأثیرپذیری خود یا میراث ژنتیکشان از اشعه مرگبار هسته‌ای، محکوم به مرگ زودرس‌اند.

ارزش اقتصادی زندگی یک انسان چقدر است؟ کمتر کسی در ملأ عام درباره این سوال بحث می‌کند. اما در محاسبات طراحان استراتژی انرژی کشورهای صنعتی، قاعدتاً باید چنین سئوالاتی نیز مطرح باشد. شرکتی که از یک نیروگاه هسته‌ای بهره‌بردار می‌کند، در کشوری که شهروندانش در صورت آسیب دیدن از اشعه اتمی حق اقامه دعوا دارند، باید با محاسبه احتمالات و حجم مطالباتی که ممکن است با آن مواجه شود، «اقتصادی» بودن یا نبودن انرژی هسته‌ای را تعیین کند. هر چه افکار عمومی نسبت به این مسئله حساس‌تر و میزان آگاهی از فواید ممکن بیشتر باشد، «ریسک» اقتصادی انرژی هسته‌ای بیشتر است. علاوه بر اینکه در چنین کشورهایی، تحت تأثیر موفقیت‌های انتخاباتی احزاب سبز، احزاب سنتی نیز همگی کمابیش «سبز» شده‌اند و پارلمان‌ها و سایر نهادهای وضع‌کننده قوانین و مقررات ناظر بر صنعت هسته‌ای، تدابیر ایمنی در تأسیسات اتمی را بیشتر (و گران‌تر) کرده‌اند.

در نتیجه این روند، بسیاری از تولیدکنندگان دولتی و خصوصی انرژی در اروپا، به تکنولوژی هسته‌ای دیگر به مثابه یک رشته «آینده‌دار» نمی‌نگرند. در برخی از

سال‌هاست موضوع برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، به یک موضوع بحث بین‌المللی تبدیل شده است. دولت آمریکا می‌گوید در پس تلاش‌های جمهوری اسلامی در این زمینه، قصد دستیابی به سلاح اتمی در میان است، و این ادعا را یکی از انگیزه‌های تحریم اقتصادی ایران اعلام کرده است. در مقابل، جمهوری اسلامی رسماً منکر هرگونه قصد غیرمسالمت‌آمیز در برنامه هسته‌ای خود است و از اعمال فشار آمریکا در این عرصه، به عنوان شهادی دیگر بر دشمنی واشنگتن با خود نام می‌برد. در این فضای مسموم سیاسی، بحث کارشناسی در مورد نیاز یا عدم نیاز ایران به انرژی اتمی بسیار دشوار است، چراکه هر گونه استدلال برای دادن پاسخ منفی یا مثبت به این سوال، خواه نا خواه در خدمت موضع یکی از دو طرف این دعوی سیاسی قرار می‌گیرد: هر کس که معتقد است ایران باید به تکنولوژی انرژی هسته‌ای مجهز شود، باید با تلاش آمریکا برای محروم کردن تعداد هر چه بیشتری از کشورها (و نه تنها ایران) از داشتن این تکنولوژی مخالفت کند (و شاید بر خلاف میلش در کنار جمهوری اسلامی قرار گیرد). و هر کس که می‌گوید ایران را نیازی به انرژی هسته‌ای نیست، شاید در مستدل کردن این باور خود، نیازمند براهینی باشد که ممکن است بازم بر خلاف میل او، در خدمت توجیه مشی تحریم بین‌المللی جمهوری اسلامی به علت برنامه هسته‌ای آن قرار گیرد.

اما آری یا نه به تکنولوژی انرژی هسته‌ای، باید در ورای بحث‌های سیاست روز مورد بررسی قرار گیرد. اگر همه معضلات کنونی مربوط به سیاست خارجی نیز کمابیش حل شوند، اگر روزی برسد که جهان دیگر به دولت ایران به مثابه یک دولت ترویست و صادرکننده بنیادگرایی نتگرد، باز هم دولت آن زمان ایران باید به این سوال پاسخ دهد که انرژی هسته‌ای برای ایران ضرورت دارد یا نه. دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی به این سوال، پاسخ مثبت داده و برنامه هسته‌ای امروز را بنیاد گذاشته‌اند. آیا باید این برنامه را، صرف نظر از جنبه‌های احتمالاً نظامی آن، ادامه داد یا نه؟ این، سئوالی است که همه کشورها با آن مواجه‌اند.

در این نوشتار، کوشش به عمل آمده است که نخست، فارغ از سیاست روز به مسئله تکنولوژی هسته‌ای و به ویژه انرژی اتمی، پرداخته شود و سپس به عنوان نتیجه منطقی پاسخی که این مقاله به این مسئله می‌دهد، موضوع حاد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

گذشته، حال و آینده تکنولوژی هسته‌ای

در تاریخ معاصر، هیچ دانشی به اندازه فیزیک هسته‌ای موضوع بحث اجتماعی و سیاسی نبوده است. علت این امر، نامیومنی شرایط ظهور نخستین آثار تحقیقات هسته‌ای است. سالها قبل از ایجاد امکان استفاده صلح‌آمیز از تکنولوژی هسته‌ای، صدها هزار نفر مردم غیرنظامی هیروشیما و ناگازاکی، قربانی ماشین سلاح هولناکی شدند که با بهره‌گیری از تکنولوژی هسته‌ای ساخته شده بود. ابعاد این فاجعه، چنان بود که اکثر فیزیکدانان برجسته‌ای که در تولید نخستین بمب اتمی، به گونه‌ای سهم داشتند، تا پایان عمر به صف سرسخت‌ترین مخالفان سلاح‌های هسته‌ای پیوستند. در طول ۵۰ سال که از پایان جنگ جهانی دوم می‌گذرد، کاهش و از میان برداشتن سلاح‌های نابودی جمعی و به ویژه سلاح‌های هسته‌ای، خواست مردم صلح‌دوست بوده است. اکنون دیگر کمتر کسی است که علناً به طرفداری از ضرورت این سلاح‌ها بپردازد. هرچند هنوز به عنوان نمونه دولت فرانسه به قیمت منزوی شدن در افکار عمومی جهان، این سلاح‌ها را آزمایش می‌کند و سایر قدرت‌های هسته‌ای مانند آمریکا و روسیه نیز هنوز زرادخانه‌هایی مملو از این سلاح‌ها دارند.

سلاح‌های هسته‌ای، موضوع این نوشتار نیست. حتی جمهوری اسلامی هم رسماً می‌گوید که در پی داشتن اسلحه اتمی نیست (هر چند گاهی سخنانی با این مضمون از مقامات رژیم شنیده می‌شود که چرا باید اسرائیل، بمب اتمی داشته باشد و ما از آن محروم باشیم). هیچ انسان آزادخواه و صلح‌دوستی نیست که انرژی محو همه سلاح‌های نابودی جمعی را نداشته باشد. در منطقه ما، نمونه‌های هولناکی مانند حلبچه نشان داده است که سلاح‌های کشتار جمعی در دست دولت‌های خودکامه، می‌تواند به چه فجایعی بیانجامد. و متأسفانه به نظر می‌رسد سال‌ها خواهد گذشت تا منطقه ما از چنین دولت‌هایی رهایی یابد. حداقل تا زمانی که چنین دولت‌هایی در این منطقه وجود دارند، مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در خاورمیانه، دامی مرگبار است که با تمام قوا باید از گسترده شدن آن جلوگیری کرد.

موضوع بحث حاضر، «استفاده صلح‌آمیز» از انرژی هسته‌ای است. تکنولوژی اتمی در دهه‌های چهل و پنجاه میلادی، این امکان را به وجود آورد که در فرآیندهای هسته‌ای، انرژی نهفته در ماده، نه تنها به گونه‌ای انفجاری، بلکه «تحت کنترل» و تدریجی آزاد شود. امیدهایی که این دستاورد علمی به وجود آورد، بی‌سابقه بود. به نظر می‌رسد بشر در یک نبرد دیگر با طبیعت، به پیروزی رسیده و توانسته است به منبجی بی‌پایان از انرژی دست یابد. هم‌زمان با افزایش نیاز تولید صنعتی به انرژی، این عامل به یکی از بارزترین ثروت‌های طبیعت تبدیل شد. و درست در چنین شرایطی بود که امکان تولید انرژی هسته‌ای پدید آمد. بشر توانست تبدیل ماده به انرژی را در خدمت تولید برق قرار دهد. تنها منابعی که بدین منظور لازم آمد، مقدار اندکی مواد رادیواکتیو بود که به میزان عملاً نامحدود، قابل دسترسی یا تولید است. پس دیگر از کمبود مواد سوختی چه پاك؟ بگذارد ماشین صنعت با نیروی اتم، بمب شتاب حرکت سترگش و بر ثروت بشر بیافزاید!

نیروگاه‌های اتمی یکی پس از دیگری در کشورهای صنعتی سر برآوردند. به ویژه پس از نخستین بحران جهانی نفت در دهه هفتاد و چند برابر شدن بهای نفت، محاسبه‌های ساده نشان داد که تولید برق از انرژی هسته‌ای، بسیار ارزان‌تر از سواذ فسیلی تمام‌شدنی و محدود مانند

رفع حیرت از چگونگی تجمع فرزندان کورش و کاوه

ملیحه محمدی

و سرانجام باز بنابر همه این دلایل است که شما در تحلیل موقعیت‌های سیاسی از دست رفته در میهن به سه موقعیت تاریخی و رهبرانی اشاره می‌کنید که نه هیچ یک از این موقعیت‌ها حاصل پسرآمد مبارزه طبقاتی است و نه هیچ یک از این رهبران تداعی پایگاه اجتماعی کاوه.

و من می‌خواهم این بار پیش‌دستی کرده یادآوری کنم که در این ارزیابی‌ها شما حکم غیرمنصفانه‌تان را این بار بر فرزندان کاوه جاری کرده و اشتباهات اقوام کورش را در دست رفتن فرصت‌ها نادیده گرفته‌اید. به دوران امیر کبیر اشاره داشته‌اید: امیر کبیر علیرغم آنکه شجره خانوادگی به شاهان پیوند نمی‌خورد. اما محیط زیست و تربیت او دربار قاجار و خود او نیز داماد ناصرالدین‌شاه بود و علیرغم جو فاسد دربار قاجاری، او با انکارگری روشتر و پیشتر از زمان مکان خویش خواهان برقراری نظم و قانون در کشور و کسب استقلال ایران از انقیاد روس و انگلیس بود. این تلاش مقدس که نسیمی از مبارزه طبقات بر آن نورزیده بود از هر جهت در جهت منافع مردم محروم ایران بود.

و نیز جنبش مشروطه، جنبشی ترقی خواهانه حاصل پیدایش نخستین آگاهی‌ها از حضور دموکراسی و قانونیت در غرب، و رهبران فکری و عقیدتی آن روشنفکران آشنا با تمدن و فرهنگ غربی بودند و توانستند مطالعه نقش مردم در امر قانون‌گذاری را خواست عینی مردمی قرار بدهند، که البته و همواره خواهان بهبود شرایط زندگی خویش و در همه عرصه‌ها هستند و نقش ستار خان به عنوان قهرمان این جنبش مظهر پیوند صحیح ایده‌های درست پیشرو و با آگاهی مردم است.

و دیگری نهضت ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق، که با هیچ گونه استدلال در حوزه مبارزات طبقاتی ارزیابی نمی‌گردد و نیز دکتر مصدق با همه دلوریها و از خودگذشتگی‌هایش به شهادت شجره‌نامه خانوادگی و موقعیت زیستی‌اش به هیچ وجه خواستگاه اجتماعی کاوه را تداعی نمی‌کند. اما رزم او نزدیک‌ترین و واقعی‌ترین نبرد این ملت و وجه همت مبارزات سیاسی او کسب استقلال و آزادی ایران در جهان بوده که این هنوز بخشی از آرمان ملت ایران در تمامیت خویش است.

به هر جهت دوست عزیز، در اردوی رهبران سیاسی میهن ما که شاید هیچ‌یک از میان توده‌ها و با رنج و ستم طبقاتی آنان آشنا نبوده‌اند، هم میرزا آغاسی و سیدضیا و هم امیر کبیر و مصدق وجود داشته‌اند که با حکم شانه می‌توان این جماعت را با هم در یک سوی دیوار «طبقات» و نه می‌توان در دو سوی این دیوار نظام داد. چاره شاید این باشد که در جهان امروز و در این قرن شگفت‌انگیزی که نسل ما و پدران ما زیستند، زمانه‌ای که ما حیران بنای صعب و شورانگیز دیوارها و سپس رهبرانی بهت‌آور آنها بر جا مانده‌ایم، برپایی دوباره مرزها و تحکیم دیوارهای اندیشه را لختی تردید کنیم و شما برنیاشوید و بگذارید «فرزندان کورش و کاوه»، نه تنها «حرفی»، که «حرف یگانهای» - برای تاریخ - داشته باشند. این به سود سرزمین کاوه و کورش و نیز شاید جبر تاریخ است، دوست عزیز هوادار جبر تاریخ و مبارزه طبقات.

ویژگی است. اما برگردیم بر سر نزاع یا همزیستی کورش و کاوه. معلم تاریخ فرزند من در شهر برلین، پس از توضیح اهمیت اقدام کورش که از آن به عنوان اولین اعلامیه حقوق بشر یاد کرده است و پس از حکایت ماجرای آزادیبخشی به قوم یهود توسط کورش، گفته بود: بچه‌ها توجه کنید که بعدها در قرن بیستم در کشور ما، با قوم یهود چه کردند؟

و شما دوست عزیز توجه کنید که قریب دو قرن بعد از کورش اسکندر مورد قیاس شما تخت جمشید را به آتش کشید و یازده قرن بعد سپاهیان پیروز عرب که بی‌هیچ مقاومت جدی وارد ایران شده بودند کتاب‌سوزان به راه انداختند و شانزده قرن بعد چنگیزخان فاتح با میهن ما چه کرد. و این‌ها همه تاریخ مدون جهان است و نه روایات و شما با مطالعه تاریخ درمی‌یابید که اسکندر «روایات» دیگری نیز که حاکی از شخصیت کینه‌جو و نامتعادل او باشد دارد و از همین گونه است اقدامات سپاهیان عرب در جای جای دنیا و چنگیز در همه سالک مغلوب. و از این روست که آن یونانی نیز که به مصاف این ایرانی «روشنفکر چپ قرن بیستمی» آورده‌اید، اگر فقط صاحب یکی از صفات برشمرده باشد نمی‌تواند تشابهی میان آنچه که کورش در تاریخ جهان بدان متصف است یا اقدامات اسکندر بیاید. و برانه‌های تخت جمشید در حافظه جهان یادگار هستک حرمت اسکندر از شئونات ملتی مغلوب و استوانه سنگی حقوق مردم بابل و یهود همواره خاطره احترام شاهی پیروز به حقوق ملت شکست خورده است. و کشورگشایی هر دو در تاریخ جهان اصلی متروکه است. قضاوت تاریخ از آنچه که در مورد کورش و اسکندر تا نین و استالین و تا گاندی و هیتلر جاری است، در مضمون کلی خویش مبتنی بر واقعیات تاریخی و دستاورد آگاهی جمعی بشری است و روشنفکر امروزی نیز، چپ یا راست نمی‌تواند براین توافق عظیم مهر بطلان بگذرد. همه واقعیات تاریخی در همه دورانهای تاریخی که جهت‌گیری‌های متفاوتی را طلب کرده‌اند، نشانه‌های روشن این واقعیتند که حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان همواره گونه‌گون بوده‌اند. هم از این روست که کورش شاه‌کشورگشا در میان دیگر کشورگشایان به سببی متمایز می‌شود و این تمایز همچون ظلم‌ستیزی کاوه خاطر آرمان‌خواه ما را تسلی می‌بخشد. و از همین بابت است که رضاشاه کسی که «قلدر» نیز هست و دیکتاتور نیز - در خونخوار و نسیه فاشیست بودنش طبق ادعای شما، سندی ندارم - از آنجا که به سودی مدرنیزاسیون و ترقی ایران اقدامات ماندگاری می‌کند، منشاء تاثرات مثبت تاریخی ارزیابی می‌شود.

پدیده‌ها را دریافته بودند و از این رو شاه خوب و شاه بد و خوبی و بدتر می‌شناختند. با این دریافت معقول که از شاهان انتظاری و از زحمتکشان انتظاری دیگر معقول است. باری، دوست عزیز همانطور که به درستی گفتید افسانه کاوه «استثنای تاریخ ماست» و این مایه تاسف است. اما شما درست نگفتید که: کورش استثنای تاریخ مانیست. او هم از استثنای تاریخ جهان است. و این نیز مایه تاسف است.

ما و جهانیان از عدالت‌خواهی کاوه که اسطوره‌اش افتخار تاریخ ادبیات ماست هیچ سندی نداریم. اما شما لزوماً خوب می‌دانید که واقعیت آزادی و آزاداندیشی کورش در مقام امپراطوری که بر نیمی از جهان حاکم بود و در ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح نخستین مدلول احترام به حقوق ملل مغلوب را بر سنگها نوشت در تاریخ مدون جهان وجود داشت استوانه سنگی او که بر لزوم رعایت حقوق مردم بابل و احترام به اعتقادات، فرهنگ و پرستشگاههای آنان که به کلی از پارسیان متفاوت بود تاکید می‌کند، در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود. و شما لابد می‌دانید که آزادی قوم یهود از قید قوانین «توبکنید» پس از پیروزی سپاهیان کورش یک امر اثبات‌شده تاریخی است و به همین سبب در «تورات» و سایر کتب مقدس یهودیان از کورش با عنوان «نجات‌دهنده» و هم شان مسیح سخن رفته است. و شما اشتباه استدلال می‌کنید که می‌آورید «آنکس که ستایشگر کورش است اگر یونانی باشد ستایشگر اسکندر می‌شود». و شما که گویند «فرزندان کورش و کاوه...» را در صورت دارا نبودن غرض، به بی‌اطلاعی محکوم می‌کنید دقیقاً با بی‌اطلاعی سخن می‌گویید وقتی می‌گویید «این همه روایات آشکار که در مورد کورش و کاوه هست...» و بعد از نتیجه‌گیری تان مشخص می‌شود که اولاً فرق بین روایت و سند را نمی‌دانید و یا لاف‌نمی‌دانید که به سند می‌توان استناد کرد نه به روایت و ثانیاً با قبول اینکه شما مفهوم سند و روایت را مخدوش کنید، روایت و اسناد در مورد کورش آن مضامین مستندی هستند که خدمتان عرض کردم و انسان امروزی - ایرانی یا هر کجایی - کورش را نه از زاویه کشورگشایی ستایش می‌کند که امروز امری مذموم و دیروز از بدیهیات حکمرانی بود، بلکه اگر ستایشی با مضامین امروزی وجود دارد آن از زاویه احترام کورش به حق ملل شکست خورده و آزادی اعتقادات است و اگر که کشورگشایی صفت بسیاری از شاهان پیشین ایران بود و داریوش از این بابت بر کورش اولی است و اگر وجدان طبقاتی ما را آزاده‌نساژ می‌خواهم بگویم او نیز به لحاظ ترتیب‌دادن نخستین تصیمات واقعی کشوری و لشگری در چنان تاریخ دوری، صاحب ارزش و

دوست عزیزی که به اصرار به تبار فرزندان کاوه پیوسته و از نوع همزیستی یا فرزندان کورش تبری گزیده است. با شهامت و حساسیت قابل رویتی حیرت خویش از تجمع فرزندان کورش و کاوه را در مصاحبه امیر ممینی با (کار) مورد استفاده قرار داده و بحث مفیدی را به سود رشد آگاهی همه‌مان موجب شده است.

درد بر او و امیر ممینی و سپاس بر شما گردانندگان نشریه کار که با سلطه بر احساسات و تعصبات و موضع‌گیری شخصی و گروهی تان چالش‌های فکری را رونق می‌بخشید. آنچنان که شایسته و بایسته حال و هوای تمامی نوشته است، سخن با «... آغاز پیدایش طبقات در ایران» آغاز می‌شود. اشاره‌ای آشنا و قدیمی به اساسی‌ترین نزاع تاریخ و اساسی‌ترین نزاع در دو سوی دیوار قطوری به ضخامت «کمون پاریس» تا پورسترویکا، این دیوار مرز غیرقابل عبور تمام داوریهایی ما بر تمامی خیر و شر جهان بوده است. و به حکم یکی از همین داوریهات که دوست عزیز ما آسیمه‌سر شده‌اند که کورش و کاوه را هر چه سریعتر به دو سوی این دیوار برگردانده، هر نوع همگرایی را مانع شوند، پیش‌اشنا جزی می‌و یکسویه‌ای که از تبیین یکسویه جهان و جامعه کار ما را به اینجا که هستیم کشانده است. آنهم، علیرغم همه تلاشها و مبارزات صادقانه در سرتاسر جهان، علیرغم صرف همه امکانات و ممکنات تاریخی و بعد از آنکه در بخش بزرگی از جهان، این پیش را به عرصه عمل کشانده و بر کرسی واقعیت کشانده بودیم.

باری، دوست عزیز صادق کارگر ما، در یک سوی دیوار کاوه را قرار داده‌اند که به قول او و قبول من «استثنای تاریخ ماست». استثنای این بابت که هم در این سوی دیوار کاوه‌های بیشمار، آنچنان خارج از شمار، که امکان ماندگاری نامشان و یادشان نبوده است، ظلم را گردن نهاده و خوراک ماران را به هر روی فراهم کرده‌اند.

اسطوره یا افسانه کاوه منشاء زمینی داشته یا نداشته باشد، واقعیت ظلم‌ستیزی، واقعیت همواره تاریخ ما و تاریخ جهان است و افسانه‌ها و اساطیر نیستند مگر تبلور فرهنگی زندگی مادی انسان. در این افسانه‌ها کاوه‌ها و ضحاک‌ها برآمده از اندیشه روشن و بی‌غش مردمان گذشته هستند، مردمانی که مادی‌تر از ماتریالیسم کتابی ما بودند و آبخور اندیشه آنان واقعیت جاری روزمره بود، قبل از آنکه این اندیشه‌ها رنگ تعلق به ایدئولوژیهای جزی می‌و نفوذناپذیر را بگیرد. والا «روشنفکر چپ قرن بیستمی» چنانکه دوست ما نام می‌برد، باید هر چه آهنگر است کاوه و هر چه شاه است ضحاک ببیند.

با چشم‌پوشی عمومی از این واقعیت که روایان حکایت کاوه و ضحاک از فرزندان شاه دادگر نیز حکایت کرده‌اند، انسانهای پیشین اگر توانستند این گنجینه‌های سرشار و راهگشای اسطوره را بیافرینند و به ما برسانند، از این رو بود که برای فطرت بشری، ارزش خودویژه انسانی، مستقل از پایگاه اجتماعی او نیز شناخته بودند. با اینکه این تاریخ دراز ما بر آنها نگذشته و علم تاریخ این همه در دانشگاه‌هایشان استاد و شاگرد نداشت، پیش‌دستی‌الکتیکی مطلق نمانگاشتن

ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد

بقیه از صفحه ۷

حکومت نمی‌تواند با آمار و ارقام ثابت کند توسعه تکنولوژی هسته‌ای در ایران، ضرورت استراتژی انرژی کشور است؟ طرح هرگونه ادعایی در مورد جنبه نظامی داشتن توافق‌های هسته‌ای ایران با روسیه و کشورهای دیگری مانند چین، نیازمند در اختیار داشتن اسناد است که اگر هم در اختیار دولت آمریکا که چنین ادعاهایی طرح می‌کند باشد، در اختیار افکار عمومی ایران نیست و قضاوت درباره آن دشوار است. اما حتی اگر چنین نباشد و قراردادهای جمهوری اسلامی با دیگران در این عرصه، از حد قراردادهای مشابه بین کشورها برای «استفاده صلح‌آمیز» از انرژی اتمی فراتر نرود، اصرار حکومت در بستن این قراردادها در شرایطی که انرژی هسته‌ای در سطح جهانی یک تکنولوژی آینده‌دار محسوب نمی‌شود و در حالی که ایران از بسیاری منابع اقتصادی تر بافقرو و بافعل انرژی برخوردار است، این ظن را تقویت می‌کند که جمهوری اسلامی بیش از آنکه به توسعه تکنولوژی هسته‌ای به مثابه بخشی از استراتژی انرژی کشور بنگرد، آن را بخشی از استراتژی نظامی خود قلمداد می‌کند. با توجه به اینکه تکنیک استفاده نظامی و غیرنظامی از این تکنولوژی بسیار دشوار و مستطرم کنترل اکیب بین‌المللی است. چندان هم دور از انتظار نیست که حکومت قفقا برتراند با استفاده از تأسیسات غیرنظامی هسته‌ای گامی در جهت تجهیز شدن به سلاح اتمی بردارد. جمهوری اسلامی در عرصه‌هایی مانند حقوق بشر به اندازه‌کافی تجربه مقابله با تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای اعمال نظارت را دارد و قطعاً می‌داند که با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز چگونه رفتار کند.

جدید نفت، استفاده بیشتر از گاز، این ثروت طبیعی عظیم ایران و احداث نیروگاه‌های آبی جریان دارد. اما این اقدامات کافی نیست. ایران از نعمت طبیعی انرژی آفتابی به حد وفور بهره‌مند است. هرچند به علت عدم سرمایه‌گذاری کافی در مقیاس جهانی در تحقیقات و توسعه تکنولوژی فتول به منظور تولید برق از انرژی خورشیدی. این تکنولوژی هنوز به لحاظ اقتصادی قادر به رقابت با مواد سوختی نیست. اما استفاده‌های دیگری مانند تأمین گرمای ساختمان‌ها از طریق ذخیره آب گرم‌شده با انرژی خورشیدی. در ایران از هم‌اکنون نیز مقرون به صرفه است. در مورد تکنولوژی فتول نیز اگر تنها چیزی از مابقی که تا کنون در جهان صرف تحقیقات هسته‌ای شده است، برای پیشبرد انرژی تکنولوژی و تولید بزرگ‌مقیاس آن می‌شد، اکنون مدتها بود که این شیوه تولید انرژی الکتریکی قادر به رقابت با سایر شیوه‌ها شده بود. سرزمین پهناور ایران با آفتاب همیشه تابانش، بی‌شک از نخستین مناطقی خواهد بود که در آن، تولید برق از انرژی خورشیدی مقرون به صرفه خواهد شد. هم‌اکنون استفاده از انرژی باد برای تولید برق در بسیاری از کشورها به سرعت رو به گسترش است. نه در سراسر ایران، بلکه حداقل در مناطق بادخیز، این تکنولوژی نیز می‌تواند در خدمت متنوع کردن استراتژی انرژی کشور قرار گیرد.

همه این اقدامات، تنها یک جنبه از استراتژی انرژی است که به جنبه دیگر آن یعنی صرفه‌جویی که در ایران مورد بی‌اعتنایی است، اشاره شد.

چرا جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته‌ای علاقه‌مند است؟

موضوع انرژی هسته‌ای به خودی خود مبغی نیست که حتی در یک دیکتاتوری مانند جمهوری اسلامی نتوان با حد معینی از علینت درباره آن به بحث پرداخت. اما در ایران فعلی، این موضوع حکم یک مورد بسیار حساس مربوط به امنیت حکومت را یافته است. چرا؟ باید نپرد کارشناسان مستقل امکان مشارکت در اظهار نظر برامون این مبحث کارشناسی را داشته باشند؟ چرا جزئیات قراردادهای هسته‌ای جمهوری اسلامی با سایر کشورها علنی نیست؟ چرا

تأیید حساسیت در مورد ایمنی کار و ایمنی صنعتی در ایران در قیاس با کشورهای صنعتی پیشرفته در سطح نازل‌تری است. بهره‌برداری از تأسیسات اتمی در کشوری مانند ایران با خطراتی بیش از خطرات روزمره‌ای مواجه است که مثلاً در نیروگاه‌های آلمان یا حضور سندیکها و شوره‌های کارگری و حدی از مراتب ایمنی توسط آنها قابل تصور است. خطرات در تأسیسات را نباید به احتیاط از کنترل خارج شدن واکنش‌های هسته‌ای خلاصه کرد. انتقال، استفاده، تماس مداوم با مواد اشعززا در صورت عدم رعایت تدابیر ایمنی، متضمن مرگی تدریجی است که نه تنها کارکنان، بلکه مردم ساکن مناطق پیرامونی را نیز تهدید می‌کند.

ثالثاً ایران در یک منطقه به لحاظ سیاسی ناآرام قرار دارد. خود دولت فعلی ایران نیز بر این ناآرامی می‌افزاید. قدرت‌های نظامی جهانی مانند آمریکا در این منطقه فاعلند و امکان رویارویی‌های نظامی در صورت ادامه وضعیت فعلی منتفی نیست. تکرار تجربه بیباران تأسیسات اتمی عراق توسط اسرائیل در سال ۱۳۵۹، در صورت پیش رفتن پروژه اتمی بوشهر ممکن است به یک فاجعه عظیم انسانی و اکولوژیک بیانجامد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی به قدر کافی بهانه به دیگران برای «موجه» جلوه دادن چنین جانی می‌دهد.

با در نظر گرفتن این عوامل، باید بر ضرورت تجدید نظر در تصمیم به احداث نیروگاه‌های اتمی در بوشهر تأکید ورزید.

لزوم اقدامات جایگزین

مدافعان روی آوردن ایران به انرژی هسته‌ای، که به مقامات حکومتی محدود نمی‌شوند، می‌گویند این عرصه از صنعت انرژی آقدر مهم است که حتی در صورت اقتصادی نبودن این یا آن پروژه، باید نظر به اهمیت استراتژیک آن، مورد توجه قرار گیرد. در مقابل این استدلال، باید پرسید آیا تا کنون سر، امکانات فراروی یک استراتژی انرژی مورد توجه کافی قرار گرفته است که اکنون نوبت انرژی اتمی باشد؟ یادآور شدیم که حتی در جمهوری اسلامی نیز اقداماتی مانند جستجوی منابع

مجموعه دلایل فوق برای اعلام مخالفت نیروهای دمکراتیک و ملی ایران با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی کافی است. بر این برنامه هزینه‌آور علاوه برآنکه خطرات برشمرده در این مقاله را متضمن است، در شرایط بحران اقتصادی فعلی، نامی جز ولخرجی نمی‌توان گذاشت.

پایان



اختصاص بودجه به سیا برای عملیات علیه جمهوری اسلامی، قبل از هر چیز همان هدفی را دنبال می‌کند که اعلام شده است: اعمال فشار به جمهوری اسلامی از طریق «بی‌ثبات کردن» و «نیش زدن». از طریق ایجاد مزاحمت برای حکام تهران، به همان گونه که آنها برای آمریکا و حکومت‌ها منطقه ایجاد مزاحمت می‌کنند. چنین مزاحمت‌هایی، به قدر هم که کشور جمهوری اسلامی را به خصمه بیاندازد، الزاماً در خدمت دموکراسی در ایران نیست. مردم ایران در مبارزه خود علیه حکومت اسلامی، به حمایت روشن و آشکار سیاسی جهانیان نیاز دارند. هیچ‌گونه عملیات خرابکارانه و مناسبات پنهانی، به ویژه با نیروهایی که اصلاً سابقه خوبی در خدمت به مردم ایران و دموکراسی در کشور ندارند، مورد حمایت حامیان دموکراسی در ایران قرار نخواهد گرفت.



و سازمان‌های جاسوسی جمهوری اسلامی و عراق سال‌هاست علیه یکدیگر انجام می‌دهند و به کشتار مردم بی‌گناه و استفاده سیاسی طرف مقابل انجامیده است؟ اگر قرار است از استقرار دموکراسی در ایران حمایت شود، چرا به سیا بودجه اختصاص می‌دهند؟ هیچ دلیلی برای دادن پاسخ‌های خوش‌بینانه به این پرسش‌ها وجود ندارد. مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، قبل از هر چیز به حمایت سیاسی و معنوی جامعه بین‌المللی نیاز دارد و نه به همراهی سازمان‌های جاسوسی بدنامی که اساساً چیزی جز «بی‌ثبات کردن» نیاموخته‌اند. آنچه ما برای ایران می‌خواهیم، ثبات است که بی‌ثباتی، دولتی که ما خواهان برپایی آن در ایران هستیم، حکومتی است که اقتدار و اعتبارش را از اراده آزاد مردم و اتحاد داوطلبانه همه ملیت‌های ایرانی گرفته باشد و نه تنها بی‌ثبات و ضعیف نباشد، بلکه به بی‌ثباتی و ضعیفی که جمهوری اسلامی، کشور ما را بدان دچار کرده است، پایان دهد.

دوگانه ایران و عراق را در چارچوب «جنگ تمدن‌ها» به مثابه یک سیاست درازمدت، اعلام کرده‌اند. هدف این سیاست را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: حال که جنگ کویت به نتیجه مطلوب در مورد عراق انجامیده و این کشور را به شدت تضعیف کرده است، وقت آن است که در مورد ایران چنین شود. نتیجه مطلوبی که در عراق برای آمریکا حاصل شده، برای مردم این کشور از هر جهت نامطلوب است: ادامه دیکتاتوری با شدت بیشتر، و افزون بر آن، فلاکت اقتصادی و گرسنگی.

با در نظر گرفتن این واقعیات، نیروهای آزادی‌خواه و دمکرات ایرانی حق دارند بپرسند «بی‌ثباتی» مورد نظر دولت و کنگره آمریکا که دستیابی بدان به سیا واگذار شده است، از چه نوع است؟ آیا مراد از «مقابله» و «تثبات‌زدایی»، مقابله به‌مثل در برابر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی است؟ آیا باید انتظار داشت در ازای هر بمبی که از این پس در تل‌آویو یا نیویورک منفجر می‌شود، تهران آماج حملات متقابل گردد؟ آیا بودجه سیا صرف اقداماتی خواهد شد که مانند آن،

شود، برای ادامه کار نیازمند مخارج سنگینی برای تعمیر است. تا چه رسد به تأسیسات اتمی که قبل از راه‌اندازی آن، باید کوچکترین تردیدی را در مورد میزان فرسودگی و دوام مواد از بین برود. بنابراین باید انتظار داشت که دولت ایران علاوه بر هزینه‌های معمول اتمام دو نیروگاه، متحمل مخارج هنگفتی نیز بابت تعمیر و آماده کردن آن برای ادامه کار شود.

طراحی و بخشی از احداث نیروگاه‌های بوشهر بر اساس تکنولوژی دو دهه پیش آلمان صورت گرفته، و اکنون ادامه آن باید با کمک تکنولوژی روسی تحقق یابد. بدون تردید این تغییر به معنای ضرورت مخارج و اقداماتی اضافه بر میزان پیش‌بینی شده خواهد بود.

جمهوری اسلامی هیچ گاه ارقام ومبالغ سرمایه‌گذاری در بوشهر را به معرض قضاوت کارشناسان مستقل نگذاشته است تا روشن شود با احساب عوامل فوق، ادامه پروژه بوشهر واقعاً تا چه حد اقتصادی و مقرون به صرفه است. این ظن قوی وجود دارد که هیچ محاسبه معقول اقتصادی، ترانند تصمیم سران حکومت به تکمیل این پروژه را توجیه کند. در شرایطی که حتی ادامه کار نیروگاه‌های موجود هسته‌ای در برخی کشورهای صنعتی، با احساب عوارض جزی آن مانند اثباته شدن زباله‌های اتمی، غیراقتصادی محسوب می‌شود، بعید است در کشوری نفت‌خیز و دارای منابع عظیم گاز و امکانات بسیار برای استفاده از رودخانه‌ها، باد و آفتاب جهت تولید انرژی، ساختن یک نیروگاه اتمی مقرون به صرفه باشد.

آنچه در مطالعات و محاسبات جمهوری اسلامی پیرامون جنبه اقتصادی انرژی هسته‌ای محلی از اعراب ندارد، خطری است که از ناحیه تأسیسات هسته‌ای جان انسان‌ها و محیط زیست را تهدید می‌کند. به چند علت، این مسئله در ایران از حدت بیشتری در قیاس با کشورهای دیگر برخوردار است: اولاً ایران در یکی از زلزله‌خیزترین مناطق جهان واقع شده است و بوشهر نیز از گل‌ها و کانون‌های خطر زمین‌لرزه دور نیست. لزوم مقاومت در برابر زلزله‌ها و تابندگی در صورت چندبرابر کردن استحکام تأسیسات هسته‌ای را ایجاد می‌کند و به معنای هزینه‌های مضاعف است. مگر اینکه مردم جهان را به شهروندان درجات مختلف تقسیم و مردم بوشهر را از آن میزان ایمنی که مثلاً مردم سوئد خواهان آتند، محروم کنند.

مردم ایران به عملیات پنهانی...

بقیه از صفحه اول

نام سیا که اکنون مأمور «بی‌ثبات کردن ایران» شده است، یادآور کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت قانونی مصدق است، واقع‌های که در دور کردن ایران از مسیر دموکراسی و پیشرفت، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. واقع‌های که اگر روی نمی‌داد، شاید ما ایرانیان تاوان سنگین روی کار آمدن حکومت مذهبی را نمی‌پرداختیم. و این تنها نمونه نیست. «عملیات پنهانی» سیا در اندونزی، شیلی، کنگو و ده‌ها کشور دیگر جهان، در خدمت روی کار آمدن نیروهای سرکوبگر و دیکتاتورهای متحد آمریکا بوده است و نه‌کمک به استقرار دموکراسی در این کشورها.

امروز نیز ما به اهداف آمریکا در ایران خوش‌بینانه نمی‌نگریم. طراحان استراتژی دولت کلینتون در خاورمیانه، سیاست «سهار

سوریه: سال ۹۶ صلح با اسرائیل است

گفتگوهای صلح سوریه و اسرائیل که شش ماه پیش بدلیل اختلاف بر سر ارتفاعات جولان قطع شده بود، اواخر دسامبر در آمریکا از سر گرفته شد. نقطه مرکزی این مذاکرات بلندپایه‌های جولان است که در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده است. سوریه عقب نشینی کامل اسرائیل را از این مناطق را در خواست می‌کند و در عوض قبول می‌دهد که روابط کامل اقتصادی و سیاسی با اسرائیل برقرار کند. در دومین دور مذاکرات سری جدید، هنوز بسیاری از مشکلات پایهای بدون راه حل مانده است. روزنامه «تشرین» سوریه، یک روز قبل از دور دوم مذاکرات،

نوشت سال ۹۶ سال صلح بین دو کشور می‌باشد. به نوشته این روزنامه برای صلح بین لبنان و سوریه، اسرائیل باید تلاش بیشتری کند. مانع اصلی در این راه، بسنیادگران اسرائیلی هستند. اسرائیل باید بطور کامل از جولان عقب‌نشینی کند، این مسئله، زمینه توافقات صلح در منطقه می‌باشد. اسرائیل آمادگی خود را برای عقب‌نشینی کامل از جولان اعلام کرده و اظهار علاقه کرده بعد از آن، همکاریهای اقتصادی با سوریه در زمینه تورسیم، صنعت حمل و نقل و تولید شراب داشته باشد که با موافقت ضمنی سوریه روبرو شده است. در ادامه تلاشهای صلح،

وزیر امور خارجه آمریکا هفته دوم ژانویه مسافرتی به مناطق خاورمیانه خواهد داشت. انتظار می‌رود قرارداد صلح اسرائیل و سوریه تا اواخر اکتبر بسته شود. در چارچوب فعالیت‌هایی که برای صلح صورت می‌گیرد، قرار است ملک حسین دوم نیز ژانویه از اسرائیل دیدار کند و ملاقاتی با وزیر امور خارجه آمریکا داشته باشد. مصر و اردن اظهار امیدواری کردند که صلح اسرائیل و سوریه طی یکسال آینده به نتیجه برسد. وزیر امور خارجه آمریکا از سوریه خواست از حملات موشکی حزب الله به شمال اسرائیل جلوگیری

حزب رفاه اسلامی

برنده انتخابات ترکیه شد

زمینه‌ساز تبلیغ حزب رفاه برای استقلال و خودکفایی ملی شد. اربکان رهبر حزب رفاه اسلامی می‌گوید هم‌اکنون نه تنها ترکیه به دنیا با چشم دیگری می‌نگرد بلکه دنیا به ما با چشم دیگری نگاه می‌کند. جبهه اسلامی الجزایر در نامه‌ای به حزب رفاه اسلامی اظهار امیدواری کرده که از هم‌اکنون ترکیه نماینده واقعی جامعه مسلمان در دنیای غرب باشد. جمهوری اسلامی نیز از پیروزی حزب رفاه استقبال کرد. اربکان رهبر ۶۹ ساله حزب رفاه که در غرب تحصیل کرده است، اتحادیه اروپا را کلوب مسیحی‌ها می‌داند و می‌گوید ما آذربایجان، بوسنی، چین و اورشلیم را آزاد خواهیم کرد و وعده می‌دهد که «اسلام حقیقی» را پیاده کند. او اعلام کرد که با هر حزبی آماده ائتلاف است. برخی ناظران عقیده دارند که کنار گذاردن حزب رفاه برای این حزب مزیت‌هایی در بر دارد و این حزب به عنوان اپوزیسیون که نقشی در قدرت ندارد، می‌تواند در آینده آرای بیشتری کسب کند. روزنامه دیلی نیوز ترکیه می‌نویسد: امتناع از هر گونه ائتلاف با رفاه، ناآرامی‌های بیشتری را در آینده در پی خواهد داشت.

انتخابات پارلمان ترکیه در ۲۴ دسامبر برگزار شد. در این انتخابات حزب بنیادگرای رفاه اسلامی با ۲۱/۳ درصد، قویترین حزب ترکیه شد. حزب راست‌گرای مام میهن به رهبری مسعود ایلماز با ۱۹/۶ درصد و حزب راه راست خانم چیلر با ۱۹/۱ درصد و حزب چپ دمکراتیک به رهبری بلند اجسویت با ۱۴/۶ درصد و حزب جمهوریخواه خلق با ۱۰/۷ درصد به پارلمان راه یافتند. بقیه احزاب شرکت‌کننده نتوانستند از مانع ۱۰ درصدی بگذرند.

۲۲ سال بعد از استقرار حکومت لائیک در ترکیه این اولین باری است که یک حزب اسلامی بیشترین رای را در انتخابات پارلمانی بدست آورده است. خانم چیلر بعد از اعلام نتایج انتخابات استعفا کرد. سلیمان دمیرل رئیس جمهور ترکیه از وی خواست تا تشکیل دولت جدید به کار خود ادامه دهد. به این سؤال که کدامیک از ائتلافها دولت آینده را تشکیل خواهد داد هنوز جوابی داده نشده است. حزب «راه راست» و حزب «مام میهن» بر سر اینکه کدامیک مسئولیت تشکیل کابینه را برعهده بگیرند، اختلاف دارند. حزب خانم چیلر هرگونه ائتلافی را با حزب اسلامی رفاه رد می‌کند. حزب «مام میهن» ائتلاف با حزب اسلامی را به تغییر رهبری و فلسفه این حزب منوط دانسته است.

در آستانه انتخابات، پارلمان اروپا با چشم‌پوشی بر نقض حقوق بشر در ترکیه، موافق ورود این کشور به بازار مشترک را از سر راه برداشت. آمریکا فروش موشکهای بالستیک را که مدت‌ها به تعویق افتاده بود، به تصویب رساند. ولی با تمام امتیازاتی که غرب به ترکیه داد ۱۵۷ درصد تورم در دوران ۲/۵ ساله نخست‌وزیری چیلر، ۴۰ درصد پایین آمدن قدرت خرید مردم و ادامه جنگ با کردها

جنگ در افغانستان، همچنان پیداد می‌کند



این کودک نیز مانند بسیاری از کودکان دیگر در یک حمله هوایی به کابل مجروح شده است.

که جنگ برای تصرف کابل و سرنگونی دولت را ادامه خواهد داد. شهر یک میلیونی کابل، که در جنگ مجاهدین با ارتش شوروی سالم مانده بود، از سال ۹۲ صحنه درگیری‌های گردهای مختلف مجاهدین شده است. ۸۰ تا ۹۰ درصد شهر ویران شده است. اکثر جمعیت از نقاط درگیری جنوب و جنوب غربی، به شمال کابل پناهنده‌اند. برق و سوخت برای اکثر ساکنان قابل تامین نیست. تمامی کارخانجات و کارگاه‌ها از کار افتاده‌اند.

طبق نظر صلیب سرخ جهانی، ۸۰ درصد جمعیت، قادر به تامین نیازهای روزانه خود نیستند. قیمت نان به ۴۰۰ افغانی (واحد پول) رسیده است. گلوله باران‌های اخیر شهر، بیمارستانها را که قبلاً قادر به معالجه مجروحین نبوده‌اند، با مشکلات جدید مواجه کرده است. و این در حالی است که هنوز دورنمای هیچگونه مصالحه‌ای بین طرفهای درگیر بوجود نیامده است.

مذاکرات به منظور حل اختلافات اعلام کرده‌اند. گروه طالبان مذاکره با دولت افغانستان را رد کرد و اعلام کرد

حملات راکت و توپخانه به شهر کابل، از اواخر نوامبر ابعاد وسیعتری گرفته است. تنها در روز ۱۷ دسامبر، شلیک ۱۱ فروند راکت و توپ‌های دوربرد از طرف گروه طالبان به مناطق مسکونی این شهر، دهها کشته بر جای گذاشت. ربانی رئیس جمهور افغانستان، پاکستان را متهم کرده که به گروه طالبان از نظر اقتصادی و نظامی کمک می‌کند و از این کشور خواست که به مداخله خود در امور این کشور پایان دهد. دولت ربانی خواستار تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی دخالت‌های پاکستان در امور داخلی آن کشور شد. ربانی آمادگی خود را برای کناره‌گیری از قدرت و مذاکره با تمام طرفهای درگیر، از جمله طالبان، اعلام کرد و افزود که برای مذاکره با طرفهای درگیر، هیئتهای منتخب به جلال‌آباد، مزارشریف، بامیان، قندهار و سایر نقاط اعزام شده‌اند. شورای هماهنگی، متشکل از حزب اسلامی «گسلین»

تظاهرات، صد هزار نفره زنان در بنگلادش



بیش از صد هزار زن در داکا پایتخت بنگلادش، روز دوم ژانویه تظاهراتی در اعتراض به مقامات روحانی پاکستان، که مانع آموزش و اشتغال زنان می‌باشند، برگزار کردند. آن‌ها در این تظاهرات، خواستار امکان آموزش و اشتغال و برابر حقوقی با مردان شدند.

پیروزی چشمگیر حزب کمونیست روسیه در انتخابات پارلمان

حزب کمونیست روسیه در انتخابات پارلمان پیروزی چشمگیری را تجربه کرد. این حزب که در سال ۱۹۹۱ منحل شده بود، در این انتخابات با ۲۱ درصد آرا، بیشترین رای را در میان احزاب روسیه به دست آورد. این نتیجه، نشان‌دهنده بازگشت نفوذ حزب کمونیست در جامعه روسیه است.

این حزب شکست خورده‌گان این انتخابات بودند. کمونیست‌ها تقریباً در سرتاسر کشور در مکان نخست قرار داشتند. پیش از انتخابات، یلتسین و نیروهای رفرمیست راست پیرامون وی، همگان را از بازگشت کمونیست‌ها به قدرت می‌هراساندند و حتی در برخی سخنان خود خطر جنگی داخلی را غیر ممکن نمی‌دانستند. اما هیچ یک از این تبلیغات مؤثر واقع نشد و مردم به آن ترکیبی رای دادند که حکومتیان نمی‌خواستند.

نمایندگان حزب زنان روسیه نیز از متحدین احتمالی کمونیست‌ها محسوب می‌شوند. صاحب‌نظران حداقل ۲۱ تن از ۷۸ نماینده منفرد را نیز از جمله چپ‌ها محسوب می‌کنند. به این ترتیب تعداد اعضای بلوک حول حزب کمونیست در دوما به ۲۱۹ نفر می‌رسد. این احتمال قوی است که چپ‌ها اکثریت مطلق دوما را به دست آورند.

حزب کمونیست روسیه، تنها حزب روسیه است که در انتخابات پارلمان روسیه می‌باشد. تعداد مجموع نمایندگان چپ در دوما بالغ بر ۱۹۵ تن و بیش از ۲۳٪ است.

ژیکانوف، رهبر حزب کمونیست روسیه که در این میان و پیشاپیش کاندیداتوری خود برای کسب مقام ریاست‌جمهوری روسیه را اعلام کرده است و از جمله با شعار احیای اتحاد شوروی به گونه‌ای دیگر پا به میدان تبلیغات انتخاباتی نهاده بود، بارها در سخنان خود به مخاطبینش اطمینان داد

پس از حزب کمونیست احزاب خانه‌سا روسیه، حزب لیبرال - دموکرات ژیرینوفسکی، یابلوکو و حزب دهقانی از احزاب چپ به ترتیب با ۵۵، ۵۱، ۴۵ و ۲۰ نماینده، به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. بقیه احزاب با ۹ نماینده یا کم‌تر در دوما حضور خواهند داشت.

خلاصه نظرات یکی از کارشناسان سازمان نیروی مقاومت مردم در مقابل جنگ بنام بیورناربرگ BiurnarBerg است: صنایع نظامی سوئد از سرمایه بنیاد نوبل استفاده سرشار می‌برند. در سال ۱۹۹۴ این بنیاد میلیون‌ها کرون در این صنایع سرمایه‌گذاری کرده است. یکی از شرکت‌هایی که بنیاد نوبل در آن

هم زمان با نزدیک شدن زمان اعلام برنده جایزه صلح نوبل سال، فاش گردید که مبلغ قابل توجهی از سرمایه‌های این بنیاد در کنسرن‌ها و شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری شده‌اند که به تولید و فروش وسایل نظامی اشتغال دارند. افشای این موضوع بحث‌هایی را برانگیخت، مقاله‌ای را که در زیر ملاحظه می‌کنید

اوسلو «آرئه‌استورجیم» در گفتگو با خبرنگاری نروژ که در پنجم اکتبر صورت گرفت اظهار داشته که از قدیم تا کنون چنین بوده و موضوع سرمایه‌گذاری‌ها در صنایع نظامی امر تازه‌ای نیست. بنیاد نوبل بر پایه درآمد ناشی از فروش باروت بنیاد نهاده شده مدیر انستیتوی نوبل اسلو در صد بقیه در صفحه ۱۱

مانند سیستم‌های الکترونیکی برای راکت، رادارهای نظامی و سیستم‌های الکترونیکی ارتباطاتی نظامی است. درآمد این کنسرن از طریق فروش وسائل نظامی در سال ۱۹۹۴ بالغ بر دو میلیارد کرون بوده است بخش تولید نظامی این شرکت دو هزار نفر پرسنل دارد. مدیره اداره انستیتوی نوبل

سرمایه‌گذاری‌های کلان بنیاد صلح نوبل در کنسرن‌های نظامی

۱۹۹۴ در آن ۱۲ میلیون کرون سوئد سرمایه‌گذاری کرده اریکسون Ericsson نام دارد بخش مهمی از تولیدات این شرکت وسائل جنگی

سرمایه‌گذاری کرده به شرکت جنبی خود سه میلیارد کرون تانک و خودروهای زرهی فروخته است. شرکت دیگری که بنیاد نوبل در سال

سرمایه‌گذاری کرده به شرکت جنبی خود سه میلیارد کرون تانک و خودروهای زرهی فروخته است. شرکت دیگری که بنیاد نوبل در سال

سرمایه‌گذاری کرده به شرکت جنبی خود سه میلیارد کرون تانک و خودروهای زرهی فروخته است. شرکت دیگری که بنیاد نوبل در سال